

نیز مال المصلحة یکی از دولتین قرار گیرد ، آن وقت است که يك دفعه حیات بلتیکی ایران خامه پذیرد ، و طوق عبودیت رقاب جمیع ایرانیان از طالی و دانی عالم و جاهل را مس نماید، و نام سلطنت ایران را جز در تاریخ نیایم، و خاک مذات بر فرق جمیع اهالی این خاک یاک که شش هزار سال آزادی شان برقرار بوده باشیده شود ، اسلام از میان برود، اسلامیان مانند یهود در هر ملک خوار و زبون گردند

خدایا تو شاهدی که آنچه را مینویسم از راه دل سوزی باسلام است و وطن عزیزمان! با احدی غرض نداریم ، ما حق تسبیح را به ملت خود نموده درحالیکه ملاحظه خطرات شخصی را ننمودیم ، هنوز هم باب جاره بروی این ملت مسدود نگردیده ، تا کنون هم اگر مردها همت برگارند میتوانند خویشتن را از مذات ادی نجات دهند ، ولی ازین و بعد اگر اندکی تسامح شود تیر از شصت رها می شود ای غیرت مندان خراسان ، ای دینداران ارض

افدس، شا در مرکز مقدس نشسته اید ، شا در زیر سایه امام المشرق والمغرب مستبد ، شرف و سعادت شا بر جمیع اهل ایران مسلم است ، شا باید دوحرکات خود بجمیع اهل ایران سر مشق دهید ، بمحمدالله استبداد نتوانست درمیان شا بزرگواران مثل اهالی غبور تبریز فساق ادازد ، و آن غیرتمندان را بخود مشغول دارد ، شا بمحمدالله مقتدر باحیاء این ملت نجیب هستید ، جنم وطن خواهان امروز بحرکات ترقی خواهانه شا باز است ، مستعدی است که دست برابض این خادم اسلامیت و فدائی مات بیضاء توجه فرمائید ، طریق اصلاح را هم عرض میکنم ، اگر مقتضی وقت دیدید و با عقول دورین خود سنجیدید عمل فرمائید، و ملت را باعمال آن وا دارید، و مجلس شوری را متذکر شوید که بدون فوت وقت جلو این سیل بنیان کن را به بندد ورنه ملت ایران را نه مایت باقی ماند و نه مذهب

بحق سلطان سربر ارتضا علی ابن موسی الرضا سلام

صاف و بوسکنده باید وکلاء محترم بدانند، که ملت آنها را معصوم نمیداند ، و عقل کل هم نمی پندارد ، و مبری از خطا و معری از زلل نیز نمی شناسد ملت همه ، را بزرگ کرده و می شناسد ، و ظاهر است که در (پارستان) علوم اولین و آخرین را تقسیم نمی نمایند ، نهایت این است که موکلین شا را امین میدانند ، ولی بهجرد دادن وکالت به شا نمیتوانند شا را عالم و دانا برموزسیاست دانسته واقف به تمام مواقف عصر بدانند و بحال خود بگذارند، معصوم تصور کرده اعتراض برقول و فعلتان نکنند ، خصوصاً انتخابیک درین دوره شده که بعضی ولایات و برخی طبقات از روی لیاقت و دانش وکیل معین نه نموده اند ، امید است در انتخاب آینده ملت ملتفت شود که وکیل برای چه امر اهم است ، و چه گونه شخصی بدرد آنها میخورد بالجمله اگر بنا شود ملت اعتراض بوکلائی خود نه نماید هرگز کارها تحت انتظام نخواهد آمد ، و هیچ گاه وکلا بهقم رأی خود واقف نخواهند گردید .

اعظم وظایف روز ما محجات ملی امروزه اعتراض بر اقوال و افعال وکلائی محترم است باسم و رسم، چنانچه تکلیف وکلا اعتراض بر اقوال و افعال و زر است باسم و رسم بدون ملاحظه و مداخله ، اگر اعتراض درکار نباشد هرگز نواقص ما تکمیل نخواهد یافت ، و اگر نگرانی ملت بر وکلای خود ظاهر نشود هیچ عمل بی نقصی از دارالشوری ملی توقع نباید کرد ، این گونه اعتراضات را وکلا نباید حل بر فرض نمایند ، این اعتراضات برای تکمیل عمل است هرکس واقف از یارلانهای خارجه باشد میدانند که وکلا بر دو دسته هستند ، دو دسته شدن وکلا فقط برای موقع یافتن بر اعتراض است ، فرقه حامی وزراء میشوند، طایفه مخالف آنها ، مقصود این است که دیواری شدن پارلمنت محض اعتراض است و بس ، حالا که مادر پارلمان خودمان دو پارٹی نداریم و باب اعتراض مسدود بلکه اعتراض را حل بر عداوت می نمایند ، روز ما محجات باید پارٹی مخالف واقع شده بنای اعتراض را بر وکلا و وزرا بگذارند ، ورنه مجتنب پارلمان و نه چنین وکلا و نه چنین جرائد اهداً باری ازدوش ملت برخواهد داشت ،

راستی بعضی از وکلا کمال استبداد را در مجلس بخرج میدهند و سعی هستند کسی بر آنها هیچ گونه اعتراض نماید ، معصوم یازدهم و عدل اول شان قرار دهند ، و از این جهت است که طایل بودند آزادی افکار و اقلام و مجامع را محدود نمایند، چنین وکلاء خود بسند و منفعت پرستند ، و برای دولت و ملت هیچ بر وجود شان فایده مترتب نیست ، اینگونه وکیل قابل حکومت قویان است نه شرکت در پارلمان ، درین موضوع فعلاً موقع زیاده بر این بحث نیست ، انشاء الله بموقع خود تشریحات لازمه داده خواهد شد

جمع سیاسیون، تجارتی نیست، از این است که جراید آلمان می نویسند که این معاهده محل تجارت آلمان در ایران نباشد. و آلمان را نیز در ایران فرضی جز تجارت منظور نبوده است، و ازین است که این معاهده هیچ تغییر و تبدیلی در معاملات تجارتی ایران برای خارجه حق برای روس و انگلیس نداده است.

در صورتیکه این معاهده تجارتی نباشد تسلیم خواهد شد پدید بود آن، درین صورت باید منتظر اثرات پانسیکی این قرارنامه که بر سر ایران عمده اند باشیم.

علاوه بر این آزادی تجارت دلیل عدم تصرف در معاملات پانسیکی نیست، تجارت مصر، مراکو، کوریا، چین، حق تجارت دول سائر در هند و غیره نیز آزاد است، چنانچه امروز تجارت آلمان را نمیتوان در هند از انگلیسان کمتر دانست، تجارت در همه دنیا آزاد است. آزادی تجارت را در ایران که دولین روس و انگلیس درین قرارنامه تسلیم نموده اند، اداً دلیل تصدیق آنها بر استقلال سلطنت و آزادی مملکت نمیتوان قرار داد.

بدلیل اینکه، اگر دولین روس و انگلیس را سوء قصدی درباره ایران منظور نبود، و تقسیم و انقیاد این مملکت اراده نداشتند، و فقط برای اطمینان سرحدی خودشان بود، سرحد خود را در منصرفات خویش همانجا که هست معین میکردند، نه اینکه یکی یک تلت ایران را در سرحد خویش شامل دانست، دیگری دو تلت آن را از مضافات سرحدی خود قرار داده و یک قسمه کوچک را آزاد و قاصه الحدین جلوه دهند.

بدلیل اینکه، اگر دولین روس و انگلیس چنانچه هفتاد سال است شهرت داده که جلوگیری از حمله بکدیگر میبایم راست میگفتند، تمام ایران را چنانچه هست آزاد تصدیق نموده قاصه الحدین خود تسلیم می نمودند، بدلیل اینکه، اگر انگلیسان راست میگفتند که غرض اصلیشان از این معاهده استحکامات سرحدی هند از حمله روس است، چرا در خطه خراسان و سیستان که راه عبور لشکر روس منحصر بدان است در این مقاسمه سرحد خودشان را متصل قرار دادند، ظاهر است که دولت روس چهار جنبگی از داخله ایران نمیتواند بخارج فارس برساند و حمله بپند کند، حمله روس بر هند با اتفاق جمیع مهندسین جنبگی منحصراً بخشگی و راه آنها یا از افغانستان به پشاور و روپندی است، و یا از سرحد خراسان و سیستان بکویت و سایر بلوچستان میباشد، و از روی این مقاسمه سرحد روس و انگلیس از طریق خراسان و سیستان بدون خوف و هراس متصل به یکدیگر شده است.

الله علیه مقام شما پیش از همه ایران در خطر است، غور و تأمل فرمائید که دشمن بشما نزدیک تر است چه شما در قسمت روس واقع شده اید نسبت بسایر ممالک ایران، شما بیش از دیگران باید سعی و اقدام فرمائید در نجات خود، چه پیش از دیگران دچار خطرات خواهید گردید.

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله

(صفاً کانهم بنیان مرصوص)

از آنچه بیان شد ظاهر گردید که دولین روس و انگلیس مملکت ایران را بین خود تقسیم حقیقی نموده، تا جائیکه یک قطعه مختصر از خاک پاک وطن مقدس عزیز ما را قاصه الحدین خود قرار داده، شاهنشاهی یا امپراطوری ایران نام نهاده اند، هرکس غیر از این با فهماند، یا جاهل و بر اطلاع محض است، و یا میخواهد باز مات و دولت غفلت زده ما را پیش از پیش بغفلت انداخته، تا این اندک فرصتی هم که برای آنها باقی مانده برایگان از دست بدهند.

(بچه دلیل؟)

بدلیل عین عبارت و الفاظ قرارنامه، که دولین خط سرحدی برای خود مقرر نموده، و در تعیین حدود خویش نقشه کشیده، شهر و قصبه و راه تعیین کرده اند.

بدلیل اینکه - جمیع اخبارات معتبره روی زمین با و ازباند تصدیق می نمایند که از روی این قرارنامه ایران بین دولین تقسیم حقیقی شده است.

بدلیل اینکه - اخبارات انگلیسی و جمعی از سیاسیون انگلیس حتی در روزنامه طمس فریاد میزنند که ما در این مقاسمه مضبون شده ایم، اگر تقسیم حقیقی نبود غن چه معنی دارد؟ فریاد و فغان برای چیست؟

بدلیل اینکه - بعضی از اخبارات منصف عالم حق اخبارات انگلیسی ناسف بر نیات غیر منصفانه دولین در این موضوع نموده می نویسند: «در چنین موقعی که ایرانیان میروفتند پای در دایره زندگی جدید و عوالم نورانی تازه تمدن نهند، بدون آنکه هیچ حرکتی مخالف تمدن از آنها سر زند، و سون هیچگونه ایراد پانسیکی بر آنها گرفت، چنین معاهده بر سر آنها و اینگونه تقسیمات واقعی از مملکت آت انصاف را شهید کردن است.»

بدلیل اینکه، تا امروز معاهدات دول قویه بر سر یک سلطنت ضعیف یا تجارتی بوده یا پانسیکی (ولوا اینکه معناً نتیجه هر دو یکی بوده است) و این معاهده باقرار دولین و اظهاراتیکه در عبارات قرارنامه داده شده و تصدیق

این قرار نامه تکذیب می نماید دعاوی هفتاد ساله روس و انگلیس را در پیش قدمی به ممالک وسط آسیا که یکی باسم حله بر هند، و دیگری به بهانه جلوگیری از خشم و تحکامات سرحدی هندوستان مشغول پیش می بوده اند، چه این قرار نامه ظاهر نمود که روس به بهانه هند در صدد تسخیر ممالک بین بوده، و انگلیس هم به بهانه جلوگیری از آن پیشقدمی ها را در ممالک اجنبی می نمود، و ابداً خوفی از هم نداشتند تا جائیکه سرحد خود را بدون خوف و هراس بخیزال خویش یعنی از رویی این مقاصد متصل به یکدیگر قرار دادند

(چرا چنین کردند ؟)

بواسطه حرص و طمعی که به توسعه ممالک خویش دارند بواسطه میل و رغبتی که به ازدیاد شوکت و عظمت سلطنت خود دارند

بواسطه جلب منافع طالبه این خاک زرخیز بواسطه ذلیل کردن اهواز، و رقاب اجلاء شاهزادگان آسیا، یعنی ایرانیان را زیر کند اطاعت خود آرند

بواسطه اینکه ما را مزدور خود ساخته مانند سایر ممالک مفتوحه خویش آنچه پیدا کنیم از دستان بگیرند بواسطه اینکه ایرانیان مانند ژاپون خود نمای در آسیا نتوانند نمود

بواسطه اینکه در مملکت آسیا رقیب دیگری برای آنها پیدا نشود

بواسطه آنکه انگلیس و روس هیچ خوفی از یکدیگر نداشتند از ترقیات آئینه ایران در هراس بودند، سابق بر این ممکن بود بمردم غفلت زده ایران تکلیف نفهمی نمایند، ولی امروز نمیتوان گفت باین ملت تازه بیدار شده که نفهم، کورباش، کرماش، دست بسته باش، یا شکسته باش، باظهار محبتهای زانی و به همراهی های سطحی ما قانع، و آنچه ما میگویم حل بر صحت کلید.

امروز ایرانیان غیور بی مقاصد جمیع همسایگان خود برده و میدانند هر یک از آنها در حق ایشان چه قصد و اراده دارد، و نیز میدانند که من بعد سکوت ایشان درین گونه مواقع محو ابدی آنها را دعوت خواهد نمود، ملتفت اند که تن پروریشان ازین و بعد بسودیت و رقبت دائمه آنها را دعوت خواهد کرد، دانسته اند که اگر پیش ازین تکالیف همسایگان خود را قبول نمایند، و در خانه خود رسوخ و نفوذ آنان را زیاد کنند دبری نگذرد که صاحب خانه شده، ایشان را بخدمت خانه شاگردی وادار خواهند نمود.

چنانچه اگر بنور ملاحظه شود اکنون هم در پاره از مواد ما را مزدور و حال خود کرده اند.

ایرانیان باید بدانند که سکوت آنها درین موقع نسیب لا بفراست، و در آئینه پشیمان آنها را هیچ سود نمبخشد، و مصداق (الآن قد ندمت و ما یمنع الندم) واقع خواهند گردید

خوب، حالا که این طشت از بام افتاد، و سرپوش ازین راز همسایگان مهربان سر با تمدن برداشته شد، ایرانیان را چه قدر مهلت باقی است؟

به تصدیق جمیع سیاستپون از روی قطع و یقین از آغاز تا انجام طی درجائیکه همسایگان از رویی این قرارنامه مدنظر گرفته، که یکی را بعد دیگری اجرا دارند، از پست سال تجاوز نخواهد کرد.

یعنی از ابتدائیکه شروع نمایند باز دیار رسوخ و نفوذ و تصرفات غیر متروعه خود، تا وقتی که دفتر امپراطوری ایران را (که هدای مهلت شان بدهد) در هم پیچیده حیات پلنگی این سلطنت شش هزارساله را خامه دهند، پست سال افزون نخواهد گردید

ولی این نکته را باید دانست که پست سال معروضه عبارت از مهلت ایرانیان نیست، که باز هم این فرصت مختصر را اسباب تن پروری، و راحت طای خود قرار داده، بیبانشی و غفلت بگذرانند، بلکه طول مدت تدابیر آنهاست، این مهلت را هم که عرض کردیم نصفش بر حسب اقتضای طبیعی یا خوش بختی ایران است، که هر دو همسایه در داخله خود تا درجه گرفتارند، و این گرفتاریشان کمان نمیرود باین ژودی خامه بپذیرد، و نفرت مسلمانان عالم را مضر بحاله خود میدانند و تصرفات آن آنان در ایران آنها در چنین وقتی مورت نفرت عموم مسلمانان خاصه و طایب آنهاست، و این نکته را فعلاً مضر بمقاصد پلنگی خود که محو جمیع مسلمانان است میدانند، و اگر اقدامات غیر منصفانه آنی درباره ایران نمایند بعد نیست گرفتاری داخلی آنها پیش شود، و رعایای اسلامیشان پیش از پیش از آنها متفرگردند، ورنه چنانچه حیات پلنگی ایران بسمی بر شده که یک روز بلکه یک آن برای آنها زمان فرصت و درنگ باقی نمانده.

ایرانیان اگر در مدت پنج سال خود را بمقاصد رسانند که از موضوع رقابت همسایگان خویشین را خارج کنند حفظ استقلالشان ممکن است، و اگر دو اقدامات وطن پرستانه سستی نمایند و این قبیل مهلت را به تسامح گذرانند، تیر از شصت رها شده، از آن بعد اگر جمیع سیاستپون عالم گرد آمده بخواهند استقلاله

آنها را نگاهداری نمایند نتوانند .

روح آزادی يك ملت در قالب مملکت استقلال است همینکه استقلال آنها زائل گردید روح آنها قبض شده ولو حکمای عالم و سیاستون دنیا جمع گشته آن روح را دوباره در آن قالب نتوانند آورد ، آن امر دیگر است که پس از قرون متوالیه رقیت و فشار اجانب شیرازه ت آنها از نوزده شود و استقلالی در آن ملت دور مینماید ، ولی چون رقبای با عالم و واقف به پیش آمد زمان میباشند تدابیری بکار خواهند زد که یکدفعه اوراق قومیت ما را بقسمی از هم متلاشی نمایند که هرگز شیرازه بردار نباشد ، یعنی زبان و مذهب ما را محو خواهند نمود ، ظاهر است که امتیاز قومیت باقی است پس از اینکه زبانها محو نمایند ، مذهب را تبدیل دهند ، قومیت برای ملت ایران باقی نخواهد ماند که پس از قرون عدیده احتمال قبول شیرازه نماید

هیچ جای شبهه نیست که اگر ایرانیان بدون دقیقه قوت و وقت در حفظ استقلال خود نکوشند ، در کمال سرعت با نهایت مذلت استقلال خود را از دست داده ، هیچ اقدامی در آینده محال آنها مفید واقع نخواهد شد .

اقدامیکه باید ایرانیان فوراً در دفع اثر این جادو نمایند دارای چهار اصل اصیل و فروعات چند است که با اصول آن درینجا اشاره می شود

(۱) با اتفاق جمیع ارباب سیاست آنچه ملت و دولت ایران را بدین روز سیاه نشانده و موضوع رقابت همسایگانسان ساخته ، همانا نداشتن موانع داخلی از جمله اجانب یعنی قوه دفاعیه است .

هر دولت که توجه در اداره لشکری خود نموده ، و در جلو حمله غنیم خارجی موانع داخلی برای خویش مهیا نکرده ، عاقبتش مثل امروزه ما شده است

تمدن و وحشت بهانه ، و عدم انتظام مملکت و نبودن قابلیت در تعمیرات ملکی دستاویز دول همجوار قویه است ، به تصدیق جمیع جرائد اروپا وحشی ترین و ظالم ترین دول و ملل روی زمین ملت و دولت روس ، و بی انتظام ترین ممالک عالم روسیه است که در مواقع امایت روزی نیست که جمعی مفتول و مجروح بشوند و قطاطان طریق خزانه دولت و پست و تلگراف و بنک و غیره را نزنند ، اهالی آن مملکت را ابداً اطمینان مالی و جانی نیست ، تجارت در روسیه آزاد نمینماید ، ظلم و وحشت از قوانین او می بارد ، با اندازه متعصب در مذهب میباشد که حدی بر آن منصور نیست ، سلوک روسیان با ارمنه و یهود بهترین دلیل است ، معذالک دست تصرف بممالک

دیگران دراز کرده ، بامم اینکه میخواهد ترویج تمدن دهد ،

چرا ؟ طبع داخلی برای حمله خارجی دارد ، زور دارد ، و زور میگوید ، تا وقتی که مانند ژاپون زور شکنی برای او پیدا شده ناچار سیر اندازد

افغانستان چون بقدر خود قوه دفاعیه دارد ، انگلیسها در فصول راحمه به آن اروس در این قرار نامه ، و حال آنکه استقلال او تمام شده ، شرط می کنند که فصول راحمه ، افغانستان در صورتی محض خواهد بود که امیر ترضیه خواطر خود را بر آن ظاهر دارد .

ولی چون در ما قوای دفاعیه ملاحظه نکردند صاف صاف بکت مان را تقسیم نموده ، ابداً اعتنا هم نکردند که اینها صاحب این خانه اند ؟ فقط براسی اطلاع که خانه شمارا بین خود تقسیم نموده ایم صورت تقسیم نامه را بدربار دولت فرستادند

باید دانست که لازم نیست ما قوای دفاعیه خودمان را بجزاً و برآ همزمان روس و انگلیس آورده آنوقت خوبترین را محفوظ نمودیم . بارها در این موضوع بحث کرده مقاله ها نوشته و مدالی نموده ایم ، که قوای هر مملکت باید با اندازه قدر و قیمت آن ملک باشد ، چه تمام دول در خانه جارانه خود به مالک دیگر صرف نظر از اصول اقتصاد نمیتواند نمود -

عاجلاً ایران صد هزار قشون تحت السلاح لازم دارد ، که پنج اردو از آن در پنج نقطه سرحد برای محافظه مملکت از روی فن تشکیل شود ، و این مقدار قشونی است که دولت هاره ، واجب و حیرت و عایق نهایت نیست که باید تحت انتظام صحیح آورد ، و تقاضی میدهد ، او را فوراً دفع نموده و از روی صحت و قواعد جدید تشکیل اردو داد ،

برای انتظام لشکریات موجوده بهتر از اصول انتظامات لشکری (سوز) به نظر نمی رسد ، که هم کم خرج است و هم بهترین نظام دنیا امروزه بشمار میرود ، و غالب دول مثل انگلیس و غیره پیروی از اصول نظامی سوز مینمایند ، اگر مستخدمین چند از دولت کوچک (سوز) اختیار نمایم در قلیل زمان قشون موجوده ایران تحت انتظام تواند آمد ، و مضار بلذیکیشان هم برای ایران نسبت بدیگران کمتر است

این انتظام ابداً بر مصارف دولت نمی افزاید ، علاوه بر این نیز صد هزار قشون دیگر برای تبدیله و ایام رخصت این اردو های پنجگانه لازم است ، که آن هم بموجب دفتر دولت و سالتامه دولتی موجود است ، فقط انتظام صحیح لازم دارد ، که ضمناً در

هر آن دولت را لازم شود بتواند آنها را حاضر نماید، انتظام این دوست هزار قشون که بحسب دفتر دوائی و سال نامه دولت موجود است چندانی مصارف فوق العاده برای ما بار نخواهد آورد، فقط انتظامات لازمه باصول جدید میخواید که تاکنون نداشته ایم، فعلاً این دوست هزار قشون که اساساً موجود داریم و مصارفش را دولت همه ساله متحمل میشود اگر تحت انتظام صحیح آوریم و رسمیت پیدا کند برای نگاهداری امنیت داخله و محافظت سرحدی در ایام صلح و دفاع ابتدائی از غنیمت خارجی در وقت جنگ کافی تصور میشود علاوه بر این بدون دقیقه فوت وقت باید شروع کرد باصول و وضع جدید (سویز) یا آلمان در ترتیب قشون ملی، این ترتیب بوضع امروزه باید از روی نقشه وزارت جنگ در جمیع بلاد و قصبات و ایلات و دهات مجری شود، و قانوناً باید جمیع طبقات ملت از شاهزاده و گدازاده عالم زاده و تاجرزاده بدون استثناء در قشون ملی شرکت داشته باشند، این اصول هم فعلاً جز مصارف قلیل منتظمین و افسران مشاق و دفتر داران این اداره چیزی بر مصارف دولت نمی افزاید، و بدین جهت دولت هم استکف ازین امر اهم نخواهد نمود

امروز بر جمیع ملت ایرانیه شرعاً و عیناً متحتم است که این قبیل مصارف را مخصوصاً بر ذمه خود قرار داده راه عذر را بر مخالفین ببندند، یعنی يك گونه عوارضی را ملت باید بر خود قبول کند که فقط صرف این راه شود، چه این اصول پایه استقلال ابدی قومی و مدعی و آزاد سرمدی ملی و دینی است، و برای استحکام استقلال ملت هیچ راهی دیگر جز این منظور نیست، و آنچه نخبینه ماست من جمیع الوجوه این اداره سالانه کم از يك کرویر تومان مصارف دارد

باید دانست که این عمل از روی صحت و درستی بيك اصول و يك تیره در تمام ایران باید جاری گردد و این عملی شود مگر اینکه قوانین او را مجلس شوری مرتب داشته بذریعه وزارت جنگ مجری گردد.

هرگاه از روی صحت درین امر اقدام شود بدون شك و ریب در هر صده نچرال ایران دارای يك میلیون قشون جرار که مقابله با دو میلیون لشکر دیگران نماید می تواند نمود، آنوقت هیچ دولت طمع تصرف در خاک و خیال دست اندازی در حقوق ما را به خاطر خطور نخواهد داد، در آن حال اگر جمیع دول برخلاف ایرانیان متحد شده عهد و پیمان نمایند موافق از سرشان کم نتوانند نمود البته چیزی که ملت و دولت ایران را لازم است در

هر صده این پنج سال تدارك سلاح و قورخانه و توب و تفنگ و فشنگ برای قشون ملی از خارج و داخل نمودن و در ذخیره خانه های خود آراسته داشتن است، و از همان مد مصارفی که برای این امر معین شود در قبایل زمان تدارك جمیع این مهمات میتواند شد، در هر صده بیست سال اگر ایران مشق اجبار بر پیروی کند دارای دو میلیون قشون از سواره و پیاده خواهد گردید، آنوقت در قطار اولین درجه دول من حیث القوت بشمار خواهد آمد چون فعلاً ما این تدارك را برای دفاع لازم داریم نه جهاد ابدی مشکل نیست که در مدت پنج سال از خارج و داخل لوازم دفاعیه خودمان را برای يك میلیون قشون ملی مهیا نموده، حدود مالکیت ما را حفظ نماییم امروز بقای استقلال ایران منحصر در این اقدام است و بس، و جز این منشئت بهر امر شویم ما را ازین گرداب مهالک نجات نتواند داد، و هر کس جز این راهی ما به نماید خیانت ملت و دولت کرده است

لذا بدین نام بردن بر قبا را چشیدیم، معنی دوستی همسایگان را فهمیدیم، نمره مرعوبیت از اجاب را هم دیدیم، اثر همراهی های زبانی دوستان اروپائی خود را نیز ملاحظه کردیم که هیچ قائده بحال ما نه بخشید، البته دولت حالا ملتقت شده که (کس بخارد پشت او جز ناخن انگشت او) و فهمید که باید ملت و دولت بهر راهی یکدیگر این مالکیت را از جنگ طماعین اروپا یا متمدین جدید محفوظ دارند، و چاره شان منحصر در اینست و بس بالجملة - این اول مرحله است که ما از مراحل ترقی باید طی نماییم، و همین درجه اقدامات اولیه ما را امنیت از خارجه میتواند بخشید، آن وقت با کمال اطمینان میتوانیم در جمیع مواد ترقی و اصلاحات ملکی و ترقیاتی ملی با قوت قلب اقدام نماییم، هیچ ملت و دولت تا اطمینان از حله خارجی پیدا نکرده نتوانسته در جاده ترقی قدم نهد

امروز امر ایران از آن گذشته که ما بخوایم نکته از نکات طبیعی و تجارتي و صنعتی او را مستور داریم، امروز به بانک بلند (میگویم و می آیمش از عهد برون) که اگر چیزی ایران را ازین مقاسمه نجات تواند داد همانا اقدامات فوری شورا است در ترتیب قشون ملی دولت، ملت، مجلس، علما، اگر استقلال این سلطنت اسلامی را خواستگارند مالاً و جاناً باید حاضر شده بدون دقیقه فوت وقت در انتظام و ترتیب قشون ملی اقدام نمایند

اگر ما دارای صد پارلمان شویم و قوه دفاعیه از حله غنیمت خارجی نداشته باشیم از تهدیدات سفیر روس و تجاوزات چند فوج گرسنه عثمانی فراغت حاصل

نموده روز بروز ذلیل و زبون و خوارتر خواهیم گردید ، تا رفته رفته قنای در غاب کردیم

بپرانیم سوگند انجمن صاحب لاهی هرگز ما را از جنگ اطادی نجات نخواهد داد ، ازین انجمن هم اگر فائده حاصل شود ، همان اقویا حاصل خواهند کرد نه ضعفا ، بعد از انعقاد کافرانس اول صاحب لاهی جنگ ژاپون پیش آمد ، و در بین کافرانس دوم صاحب مؤسین آن ایرانیان تقسیم کردند ، شک نیست که باید در صاحب عمومی شرکت نمود ولی قواییم دفاعیه خود را هم درست کرد ، چنانچه همه دول هوشمند روی زمین را مسالکی جز این نیست ، و این است معنی بستن زانوی شتر با توکل امروز حفظ ایران بر فرد فرد ایرانیان از روی شرع و عقل و سیاست و تدبیر فرض است ، و محافظه انجاک باک جز به انتظام قشون ملی و عشق احبباری افراد ملت صورت نه بندد ،

باز باواز بلند میگویم که از ابتدای عالم حق مغلوب قوت بوده ، و ما باید در حق خود قوت حاصل کنیم تا مغلوب هر ناحقی نشویم ، حقیقت ما از پیغمبر خدا صلوات الله و سلامه علیه بالاتر نیست که برای دفع خصم تدارک قوت میفرمود

ایرانیان را بعد ازین قرارنامه روس و انگلیس يك ساعت فرصت درنگ برای این مشروع مقدس باقی نمانده ، و يك آن تانی در تشکیل قشون ملی يك سال ما را عقب می اندازد ، جمیع افراد ملت و انجمنهای مایه يك زبان باید از مجلس شوری حواش انتظام قشون ملی نمایند ، و هیچ عذری را از ایشان نه پذیرد ، چه مانند آفتاب روشن است که تأمل آنها ملك و ملت دین و آیتشان را در خطر می اندازد ، اسلام را ضعیف و مسلمانان را مضمحل می نماید ، آزادی شش هزار ساله ایران را دارد وداع میگوید ، بدون تأمل باید ایرانیان شروع بکار نموده ترتیب مقدمات قشون ملی را فوراً داده و این مقاسمه دولتین را بر ایران دم شیرداسته بازی نگیرند بزرگترین خطای مجالسبان این است که تا کنون این مادة الحیوة ملت را موضوع بحث مجلس قرار نداده اقدامات لازمه را درین موضوع نموده اند ، و حال آنکه اول باید اصلاح قشون ملی نموده فکر قوت برای دولت نمایند و سپس افکار دیگر را ظاهر دارند

مسلم است در هر بلد چند نفر مشاق ایرانی موجود است که با کمال میل و رغبت و افتخار به تعلیم نظامی ملت سعی و اقدام تواند نمود ، و این امر باید از طبقات عالی ابتدا شود ، تا بدون استثناء جمیع افراد ملت شرکت نمایند ، باید ابتدا علمای اعلام هر بلد و تجار و عمال هر مملکت بدون درنگ درین مشروع مقدس اقدام نموده تا احدی را موقع نترسد از آن نباشد ، و هر کس درین مشروع مقدس همراهی نه نماید خائن وطن و دشمن اسلام باید بشناس آورد

امروز وقت آن نیست که مات بلیت و اعل مجلس و وکلا و حکام خود در اقدام بدین مشروع اهم صبر نمایند ، و فقط بجواب بعد از وقت صحیح یا سقیم اعضای شوری که دولتین روس و انگلیس در خصوص این قرارنامه داده قناعت کنند ، معلوم است که این جوابات و پروتسها در صورتی اثر تواند بخشید که بلا درنگ مات و دولت جلوگیری فعلی هم از اقدامات دولتین به نمایند ، و آنگاه جلوگیری عملی منحصر است بر اینکه مانع داخلی در جلو حملات بلتیک آنها پیدا شود ، و مانع داخلی هم منحصر به (نشنل آرمی) یعنی قشون ملی است و بس

از آنروزی که دولتین این معاهده را بیکدیگر رد و بدل نمایند بالقطع والیقین اقدامات بلتیک در پیشرفت مقاصد خود خواهند نمود ، چنانچه لهجه اخبارات انگلیسی از حالا درباره ایران تبدیل یافته ، لذا ما راست که از همین امروز تدارک و تهیه اطل السحر آنها را نموده اسباب شکستن این طلسم بلتیک را فراهم نمایم ، و در عالم ملت نجیب غیور خودمان را بطلمس شکن نام بردار سازیم ، بصاحب شریعت مطهره سوگند میدادیم نمایم که هرگاه آتی درین اقدام اطل نمایم ، مراحل شقی درین میدان عقب خواهیم افتاد ، واستقلال شش هزار ساله خودمان را برایگان از دست خواهیم داد ، حریفان ما خیلی بازیگرند اگر اندک غفایت نموده و يك قدم بخطا بر داریم تا اقدامات خواهیم ماند

(باز دیوانه شدم زنجیر کو)

ای آیة الله ، ای حجج اسلامیه ، ای نوابان امام ، ای پیشوایان فرقه ناحیه ، ای آقای حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل ، ای آقای آخوند ملا

محمد کاظم خراسانی، ای آقای آقا شیخ عبدالحق مازندرانی
 شما موالیان میدانید جبل المتین علم دار اتحاد اسلام و
 منادی ترقیات اسلامیان است. پس از پانزده سال
 خدمت با اسلامیان محض اهمیت مقام و این ثلثه عظیمی
 که با اسلام رسیده با منتهای جسارت آن هادیان طریق
 رشاد و مقتدیان ملت بیضا را با هم و رسم یاد نموده،
 با کمال ونوقی که از آن بزرگواران نسبت بخود سراغ
 دارد عرض میکند، که شایسته مانی عدالت و مؤسس
 مشروطیت ایران، شایسته مقوم ارکان اسلام و مشید
 اعصاب اسلامیان، محافظه اسلام منوط بتوجه آن
 بزرگواران است. امروز اسلامیان محالقی دو چار
 گردیده اند که اگر آن بزرگواران اندک در اصلاح و
 نجاتشان تسامح فرمائید محال است بعزت و استقلال
 موجوده باقی مانند، می بینم که ذره تعالی مسلمانان را
 مانند یهود خوار و ذلیل و بی صاحب و سرپرست و
 بی دولت و استقلال خواهد گذارد.

من ما کسانیکه شما بزرگوارانرا از عوالم پلٹیک
 بی بهره می دانند متفق العقیده نیستم، من هر یک از
 آن بزرگواران را بیکه نام میدان سیاست و واقف
 بمواقف زمان می شناسم، هرگاه چنین نبود درین
 موقع نازک اینقدر بجاهده دربارہ تأسیس شورای اسلامی
 می فرمودید، و تا این درجه بای دراستحکام و بقای آن
 بنای مقدس نمی فرمودید.

لذا با کمال ادب عرض می کنم که ای موالیان عظام
 اندک توجهی در تقسیمات ایران بین دولتین روس و
 انگلیس فرموده، علاجی فرمایند که زیاده بر این مورث
 ضعف اسلام و اضمحلال مسلمین نگردد، اندک
 در پیش آمد این قرن اخیر و حالت اسلام و مسلمین
 نظر فرموده تا بدانید که مال و دول مسیحیه آنچه
 یافته از مسلمانان یافته، و آنچه برده از آنها برده اند،
 سلطنت تمام افریقیه خاصه اسلامیان بود تمام را از دستشان
 خارج کرده خود متصرف گردیدند، از سلطنت اسلامی
 نصف اروپا جز اسلامبول باقی نگذاشته اند، دو
 ثلث آسیا در قبضه مسلمانان بود اینک باقی نمانده جز
 عشری از آن، تا وقتی که مسلمانان کسالت و تنبلی پیشه
 نکرده بر نصف نفوس این کره سلطنت داشتند، امروز
 سلطنت اسلام بقدر سیئه ضعیف شده که حکمرانیش

بر ملل اجلیه سهل است از سبب ملینت نفوس
 اسلامی که کمتر از نجیاء ملینت تحت سلطنت اسلامی باقی
 نمانده، و تمام زیر فرمان نصاری در آمده اند، و ازین
 مقدار هم همه روزه کاسته می شود، مسئله مراحتکو،
 مصر، سودان، ترکستان، ماورای بحر خزر، تونس،
 و، و، و نه چیزی است که تشریح لازم داشته باشد،
 ما تسلیم داریم که از بعد جنگ صلیب تا امروز
 ملت نصاری اسماً ترک مجاهدات مذهبی نموده اند، ولی
 بجای لفظ جهاد الفاظ خوش نامی دیگر اختیار نموده
 مانند تمدن، ترقی تجارت، صداقت، آبادی مملکت،
 حفظ حقوق رعایا و امثال آن، ولی نتیجه آن همان
 جنگ و جدال و توسعه مملکت است برای آنها و برای
 مسلمانان جز غفلت بار نیاورده.

تاریخ ترقی اروپا شاهد بر این مقال است که
 اروپائیان هر اسم و رسم جنگ نموده غالب با مسلمانان
 بوده، و آنچه یافته نیز از مسلمانان یافته اند، تا جائیکه
 سلطنت اسلام را آنهم بعد از قطع قطعات بسیار منحصر
 بایران و عثمانی کرده اند، مازیهای پلٹیکی که برای عثمانی در
 آورده و در آنجا مملکت برای اضمحلال و اتمام او ریخته اند
 چندان لازم به بیان نیست، اینک برای خاتمه سلطنت
 اسلامی ایران این تقسیمات جدید را اختیار کرده اند
 ظاهر است که اگر ایرانیان بخود نیامده و اندک
 غفلت ورزند استقلال آنها را وداع خواهند گفت، سلطنت
 در اسلام خاتمه خواهد پذیرفت، معلوم است که در آنوقت
 حال مسلمانان چه خواهد شد، و اسلام را چه روزی
 پیش خواهد آمد.

ما میدانیم که از روی مذهب فرقه امامیه در غیبت
 امام احکام جهادیه را نمی توانند مجری دارند، و ما
 هم حرص و آرزو را مانند اروپائیان پیشه خود ساخته
 که بخواهیم با هم تمدن و ترقی تجارت و غیره بردگران
 بنائیم، فقط محافظه خانه خود را لازم می دانیم، دفاع
 را از مملکت اسلامی خویش واجب می شماریم
 گویا امروز موقع آن رسیده باشد که شما
 موالیان مجلس مقدس شورای ملی را هدایت فرمائید که
 بحث در امور مختلفه غیر لازمه را ترک و اولین اقدام
 خود را در تدارک فشون ملی از روی قاعده صحیح
 برای دفع غنیم خارجی قرار دهند.

گویا وقت آن آمده باشد که شا بزرگواران ملت
ایرانیه را امر فرمائید که بدون استثناء خودشان را
زیر سلاح آورده ، مشق نظامی بوضع جدید نموده
خود را آماده برای دفاع از وطن خویش سازند

امروز نجات ایران و ایرانیان ازین تقسیم منحصر
است براینکه تمام نفوس ایرانیه غیرت و همت نموده خود
را برای دفاع از وطن خویش آماده نمایند ،
ایران اگر صد پارلمان داشته باشد ، اگر صد هزار
قوانین محکم و متن وضع کند ، اگر دارای تمام اصول
تمدن امریکا و اروپا گردد ، اگر ثروت عالم را دارا شود
اگر صنعت دنیا را در خویش بیاورد ، ولی برای
دفع غنیم خارجی قوای دفاعیه نداشته باشد لامحالہ
مضمحل و نابود خواهد گردید ، این درسی است که
از ابتدای عالم معلم طبیعت بجمع اقوام و ملل داده است
ای حجج اسلامیه حراسان و آذربایجان و اصفهان
و طهران و سایر بلدان ایران! شما را بصاحب شریعت
مطهره سوگند میدهم که قدری بقرار نامه دولتین و
ضعف امروزه ایران توجه فرمائید ، اجرای این
مشروع مقدس بدمه شا بزرگواران است ، مسئله دفاع
اجماعی - واحدی از علمای اسلام در او اختلاف ندارد ،
وظیفه شا بزرگواران است که ملت را بمشقی نظامی
و ادار نموده ، شرطا و سیاستاً آنها را زیر سلاح برای
دفاع از وطن خود بیاورید

میدانید حکایت تقسیم ایران قصه حسین کرد نیست
این مسئله دخل بمسائل دیگر ندارد ، نزدیک است آب
از سر بگذرد ، بر شماست که یک زبان جدا از مجلس نخواهد
که ترک جمیع مشاغل و گفتگو های دیگر را نموده
قانون مشق اجباری را برای ملت مرتب کرده ، بلا
درنگ در ممالک ایران اجرا دارید

امروز برای تشویق ملت وظیفه شا بزرگواران
است که مانند مقتدای خود امیرالمؤمنین علیه السلام
مشق جنگ و دفاع از اسلام فرمائید ، بحق
امیرالمؤمنین علیه السلام قسم ، اگر اندک درین مشروع
مقدس نسامح و رزید سلطنت اسلامی ایران از میان
خواهد رفت ، آنوقت حال شا بزرگواران پیش از
سایر ملت نگفتنی خواهد بود

ای طلاب غیور ایران! ای حافظین شریعت فراموش

همراهی واقدامات جان فشانه شا آقاییان درین مشروع
مقدس یقی قائم نمودن سلطنت عادل و شورای اسلامی
بر هیچکس پوشیده نیست ، استحکام این بنای مقدس
بسته بهمراهی شا حضرات است ، بخدا قسم تا امروز
آنچه در موصوع ترقی ایران اقدام شده بمنزله اساس یا بعضی
رنگ و روغنهای ظاهری بوده است ، که ابداء ملک و ملت
و دولت ما را از رقیب جانب نجات نتواند داد ، و
استقلال شش هزار ساله ما را نگاه نتواند داشت ، این
قرار نامه جدید روس و انگلیس شالوده این اساس
مقدس را بروی آب گذارده ، استحکام آن منحصر
است بتهیه قوای دفاعیه و قوای دفاعیه حاصل نشود
مگر اینکه تمام افراد ملت مشق نظامی آموخته در حین
دفاع از خارجه خویش را زیر سلاح آرند ، چه
قدرشایسته است که این سرمشق را هم شا بزرگواران
بمات دهید ، چه قدر بر عظمت و بزرگی مقام شا خواهد
افزود ، که طلسم این قرار نامه تقسیمه ایران را شما
بشکلید ، شما راست که حجج اسلامیه و علمای هر بلده
را وادارید که جدا از مجالس خواسته فوراً تدارک نظام
ملی نمایند ، و خودتان پیشاپیش مات مشغول بمشقی
نظام شوید و تشنگ بدوش گرفته از وسط بازار پای
کوبان گذشته نافع این عمل از میان ملت مرتفع گردد
(۲) چیزیکه مورث نجات مات ایرانیه ازین خطر
عظیم تواند شد همانا انجمنهای رسمی ایالتی و ولایتی
و سایر مجالس و مجامع ملیه است ، این انجمنها در ایران
از (پانکل ایوسبوشن) نواند بخشد ، مشروط بر اینکه
مات ایرانیه قدر انجمنهای خود را دانسته فرض اصلی
از این گونه مجالس را بدانند ، هرکس تاریخ ترقیات اروپا
را خوانده میداند که این گونه انجمنها برای استحکام استقلال
یک مات تأثیرش با اندازه است که از جزئیات بیروست
انجمنهای ایالتی و ولایتی باید خود را موظف بجهاد
وظیفه بدانند

اول - روابط اتحادیه دولت و ملت بهر قسم بشرف
نماید تا مانند زنجیر تمام افراد ایرانی را بهم پیوسته سازد
دوم - آنگاه نمودن اتحاد و افراد ملت بمشوق و وطنیه
اهم از تجارتی و سیاسی و صناعتی
وم - نگرانی حقوق ملت و نظارت ادارات
مجریه که مخالف با قوانین موضوعه حرکت نه نمایند

چهارم اقدام در تعمیرات ملکی و منافع عمومی و اصلاحات لازمه و تعالیمات نوعیه و غیره و غیره
 چون این انجمنها دارای يك بروگرام، و همه از يك سر چشمه آب بر میدارند، و تمام شاخهای مجلس شوری در هر شهر و قصبه می باشند، و چون مقصد تمام یکی است گویا جمیع ملت را يك قطعه مقصود سوق میدهند برای قوت اتحاد يك ملت بهیچه جمیع سیاستیون بالا تر از این گونه انجمنها متصور نیست مشروط بر اینکه مجلس مقدس شوری و کلای با سیاست داشته باشد، و از روی هوای نفس و اعراض شخصی قوای این انجمنها را مضحک نه نمایند، مانند انجمنهای کبلان و غیره، و نیز منتخبین انجمنها باید بدانند که عرض از انعقاد این انجمنها چیست؟ اوقات خود را ضایع نمایند، و این نعمت غیر مترقبه را رایگان از دست ندهند، از برکت این انجمنها در آن واحد شورای مرکزی میتواند آوازه جهل کرور ایرانیانرا بهم متصل کرده در این گنبد مینو و لوله اندازد، هیچ لازم به تشریح ندارد که این روابط اتحادیه ملیه در عوالم سیاست و بلتیک چقدر دارای اهمیت است و تا چه اندازه همت غنیم خارجی را درباره این ملک و ملت بست مینماید، جنگ با دولت و حصول منفعت ولو هر قدر قوی باشد آسان است، ولی جمیع سیاستیون جنگ با ملت و حصول نفع از آن ولو هر قدر کوچک باشد محال عقل تصور می نمایند، مشروط بر اینکه ملت از روی دانش و بصیرت اقدام نماید، و نتیجه که در اینگونه انجمنهاست حاصل کند

امروز باید جمیع این انجمنها بصدای واحد نقرت و عدم رصایت خویش را از قرار نامه روس و انگلیس بمجلس شوری ظاهر دارند، نباید تصور شود که کار از کار گذشته هر قدر ملت بشور و خروش آمده نقرت خویش را ازین قرار نامه ظاهر دارد کار روانی های عملی دولتی در موضوع این قرار نامه بطول خواهد انجامید، و هر قدر ساکت و صامت درین موضوع اهم شوند حرارت و حرارت دولتی در اقدام به عملیات سرعت خواهد نمود.

تعمیر دارم از مانی که این گونه اسباب برای او جمع باشد و اعدا نتواند فائده از آن بر گیرد و در چنین موضوعی اهم که بر همزن استقلال آنهاست مانند

بره که به سلاح خانه می برند سکوت نموده آرام باشد مجلس باید در ازدیاد اینگونه انجمنها و رفع نواقص آن پیش از پیش مساعی حبیله بکار برد، و مانعین انعقاد انجمنها را در مالک جنوبی که دست فتنه همسایه اند طرد و تبعید نماید، خصوصاً بعضی مفسدین و مفتین بوشهر و سایر مالک جنوبی که مستوجبند آنها را دهنه توب گذارند، (از راه حبل المتین آنها اطلاع میدهد که اگر دست از هاق برندارند با هم و رسم آن هارا نشان داده تا ملت و دولت تکلیف خود را بدانند)

حکام بعضی مقامات نیز مانع از انعقاد انجمنهای محلی می باشند باید آنها را از جمیع شئون خارج نمود که بواسطه اعراض شخصی با اعدام و انتقای يك قوم و ملت راضی می شوند، چون فعلاً این مسئله از موضوع بحث ما خارج است صرف نظر نموده در موقع خود تشریح خواهیم نمود

(۳) تشکیل بنگ ملی است که پایه اجتماع قوت ثروت يك قوم، و رونق تجارت يك ملک و رافع احتیاج اهالی از خارجه، و مورت از دیار صنعت و نیروی معنوی ملت شناخته شده، بدون تشکیل بنگ ملی هیچ سعادت را بدرجه اتم درک نتوانیم نمود، بنگ ملی اساس جمیع ترقیات ملیه شناخته شده است

(۴) تعالیمات اجباری است در ملت، چرا که ما ملت مناقشه علمی در پیش داریم، و هیچ جاهل با عالم دم مبارات و همسری نتواند زد، و بدون علم ترقی مادرین دوره نورانی محال است، و از ابتدای عالم تا کنون سلطنت از خانواده علم خارج نشده، و ما هرگز با رقبای عالم خود ما این جهالت دم از همسری و برتری نتوانیم زد، بحمد الله ولله از این چهار رکن ترقی سه رکنش را ملت و دولت آماده و مندماش را کاملاً فراهم آورده و انشاء الله عما قریب تکمیل خواهند نمود، فقط چیزیکه امروز پیش از همه باید سر تا پا متوجه آن شویم قشون ملی و مشق اجباری است

امیدواریم عنقریب اقدام بدین مقصود هم بشود، در آن صورت ایرانیان همه دنیا خواهند نمود که اوراق اتحاد روس و انگلیس حکم کاغذات باطله را پیدا نموده، آنها را باطل السحر و طلسم شکن یاد خواهند کرد بحول الله و قوته

مدت خدمت حاضر

خدمت نظامی که از اول اکتوبر ماه سالیکه جوانان بالغ به بست سالگی میشود ابتدا میکنند. مدت خدمت حاضر پیاده نظام دو سال و برای سواره نظام و توپخانه سه سال. و بجهت عساکر مأمور به تهیه آذوقه یک سال است. بعد از اتمام این مدت افراد بصنف احتیاطی میگرددند. بگذشت سبب مخصوص سرباز در آلمان نیز هست که عبارت از جوانان قابل خدمت و مکلف به جانشینی بعضی افراد قشون حاضر میباشند. سربازان مذکور به بست سدی هشت یا نه از میان کسانی منتخب گردند که علاوه بر مقدار معین هر ساله بزیر سلاح آورده میشوند.

(مدت خدمت در صنف احتیاطی)

صنف احتیاطی شامل بر تمام اشخاص است که خدمت حاضر را اتمام نموده اند. پیاده ها پنج سال و نیم و سواره ها چهار سال و نیم در صنف مذکور میمانند. سربازان احتیاطی دو مرتبه که هر مرتبه این میتواند تا دو ماه مهلت یابد برای مشق بزیر سلاح دعوت میشوند. ولی در حقیقت از چهارده روز بیشتر در هر دفعه مستخدم نمیکردند.

چون عساکر تازه از این صنف بیرون آیند بمرتبه اول (لاندور) میکنند. غیر از افراد حاضر و احتیاطی قسمتی دیگر از سرباز که آنرا صنف احتیاطی سربازگیری مینامند در آلمان موجود میباشد. که در آن مردمانی داخل اند که در هنگام تجویزات بجای عساکر عیب قشون حاضر نصب نمیکردند. قسمت مزبور اولاً - عبارت از جوانان مستعد بخدمت که قرعه بام آنها اصابت نموده و سه سال بعد از مهلت مقرر هنوز داخل قشون نگردیده اند و تصویب کمیسیون مخصوص سربازگیری در این صنف جای گرفته اند. ثانیاً - کسانی که در هنگام صاحب ملاحظه اداره همیشه اهل بیت شان از خدمت حاضر معاف گردیده اند. یا بعلت بعضی نقایص بدنی یا ضعف پیروی از جاب کمیسیون عالی در این صنف گذاشته شده اند.

مدت خدمت در این صنف ملحق با احتیاط دوازده سال و نیم بوده. و در تسای آن فرات مزبور برای تعلیمات نظامی گاه گاهی احضار میشود.

در سی و دو سالگی افراد تعلیم دیده آن بصنف (لاندور) و تعلیم دیده آن بصنف اول (لاندور) گذشته و نامی و به سالگی در آنجا بسر برده پس از آن بصنف دوم (لاندور) نقل میگرددند.

لاندور

تمامی سربازانیکه در خدمت حاضر و احتیاط اکل مدت نموده اند بصنف اول (لاندور) داخل میشوند.

بنابر این منسوبین آن تماماً اشخاص تعلیم دیده میباشند. پیاده ها در آن پنج سال و سواره ها سه سال میمانند و تنها پیاده ها در دومرتبه که هر یکی از هشت تا چهارده روز امتداد دارد برای مشق نظامی جمع میگرددند. مرتبه دوم (لاندور) متشکل از عساکر است که مدت خدمتشان در مرتبه اول آن با انجام پیوسته و سن شان سی و دو رسیده باشد. اینها از شش تا هشت سال در این صنف مانده و در این مدت بمشق نظامی دعوت نمی شوند.

لاندور

این فرقه منقسم بدو قسم میباشد که منسوبین آن در وقت صاحب خدمتی میکنند. و قرار تجویزشان در هنگام جنگ نیز تابع قواعد مخصوص است.

(قسم اول)

(۱) - جوانان صحیح البدن هفده تا هجده ساله که هنوز قشون وارد نشده اند.

(۲) - مردمان غیر مستعد بصنف احتیاطی سربازگیری و کسانی که تصویب کمیسیون مخصوص در ظرف سه سال معاف از خدمتند.

(۳) - افراد علیاللزاج. و یا متکفل معاش خانواده طویش و ازین قبیل که در جنگ مثل دوا سازی و غیره میتوانند بکنند. و لذات تعلیم دیده صنف ملحق به احتیاط که ۲۲ سال دارند. تمامی این اشخاص تا اول بهار سالیکه نشان ۳۹ میرسد به قسم اول این صنف داخل هستند.

(قسم دوم)

این قسم مشتمل بر اشخاص مستعد البینه تعلیم دیده یا ندیده است که نشان ۳۹ - ۴۵ میباشد و تمامی ایشان در اول زمستان سال جهل و نیم عمرشان از خدمت بطور دائمی مرخص میشوند.

(عساکر داوطلب)

جوانان می توانند بعد از هفده سالگی بیل خود بقشون بعنوان داوطلبی در آیند. در پیاده مدت داوطلبی سه سال و در سواره چهار سال میباشد. ایشان از اول اکتوبر ماه تا آخر مارس ماه جایز است بفرقه هاییکه خود انتخاب نموده اند داخل شوند.

داوطلبی یکساله - در آلمان هر سال تخمیناً ده هزار نفر سرباز بعنوان داوطلب یکساله با شکر جذب فرقه میکنند. مصارف این عساکر خارج از بدجه جنگ میباشد. و صاحبان این صنف از میان آنها منتخب میشوند. مخارج پوشاک و خوراک این داوطلبان بعهده حکومت بوده پس از سه یا چهار هفته خدمت دو سرباز خانه باید در شهر اقامت گیرند.

ملاحظات	دعوت بربر سلاح و سربازان عساکر	خدمت		صنوف
		سواره نظام توپخانه سواری	مدت پیاده نظام توپچی پیاده سرباز مهندس	
<p>صنف اول لاندسترن مرکب از اقسام ذیل است</p> <p>اولاً - جوانان داوطلب قبل از دعوت بربر سلاح .</p> <p>ثانیاً - اشخاصیکه خدمتشان بهائی تعویق افتاده یا سه سال بی در پی بجهت ضعف مزاج و غیره داخل قشون نشده معاف از خدمت حاضر گردیده اند</p> <p>ثالثاً - کسانیکه بطور دائمی برای بعضی ملاحظات به صنف اول لاندسترن معین شده اند .</p> <p>رابعاً - مردمانیکه مشق نظامی نموده برای حاشینی قشون حاضر میباشند .</p>				صنف اول لاندسترن
		سه سال	دو سال	قشون حاضر
عساکر تعلیم دیده که خدمت حاضر را کرده اند	دو مرتبه هر مرتبه اثنی ۸ هفته	چهار سال و شش ماه	پنج سال و شش ماه	احتیاطی
افراد تعلیم دیده که از صنف احتیاط آمده اند	پیاده نظام فقط دو دفعه از ۸ تا ۱۲ روز	سه سال	پنج سال	صنف اول لاندور
کسانیکه از مرتبه اول احتیاطی آمده و ۳۲ سال دارند		هشت سال	شش سال	صنف دوم لاندور
نفرات صحیح البینه مشق کرده یا نکرده که از ۳۹ تا ۴۵ سال دارند	یکمرتبه سان	شش سال و ۹ ماه	شش سال	صنف دوم لاندسترن
		پست و هشت سال و سه ماه	پست و هشت سال و سه ماه	مدت مجموع خدمت

داوطلبان در سواره نظام تقریباً یکصد تومان برای خرج اسباب سواری داده و عهده و عهده‌های خود را متکفلند ، و باید از هفده تا بیست سال داشته و صاحب سواد کافی باشند . بعد از تحقیق این شرایط داوطلبان از طرف يك هیئت مختلط مخصوص که در هر دو مملکت است پذیرفته میشوند . داوطلبان یکسال میتوانند بعد از شش ماه خدمت بدرجه سر بازی اول بر آیند و پس از مدت ۹ ماه بمرتبه صاحبمنصبی جزو برسند بعد امتحان صاحب منصبی احتیاط را داده صاحب منصب یا صاحب منصب جزو احتیاط نامیده میشوند ، آنگاه مساعده با غفایت در خدمت کنند بدرجات فوق نایل نمیکردند .

خلاصه در آلمان مقصود از تأسیس داوطلبی یکساله نه تنها تسهیل وظایف عسکری است ، بلکه استفاده از روشن کردن و تربیت دادن افکار بعضی از جوانان است برای اخذ صاحب منصبان احتیاط .

(داوطلبی صاحب منصبان جزو و سر بازان) (بعد از اتمام خدمت)

بعضی از سپهیان آلمان که آرزو مند وصول بمراتب عسکری یا طالب خدمتی من موزیکالچی گری و صنعت گری غیره در لشکر میباشند بعد از اتمام خدمت حاضر دو باره داوطلب میشوند . علاوه بر اینها در سال ۱۹۰۰ برای محذوراتی که از تزیین خدمت حاضر بدو سال تولید شده بود حکومت قسمت دیگر از داوطلبان تشکیل داده و در مقابل آن مبالغی کافی بر بدجه حرب افزود ، تا اینکه بتواند بقدر لزوم از قرات بیاده یکسال زیاد از خدمت معین در تحت سلاح نگاهدارد ، محض تشویق این عساکر سواى انعام دوازده تومانی و اضافه همت قرآن بر جیره مقرر دو سال نیز از خدمت در صنف لادور تخفیف داده میشود .

مجموع این قسم سر بازاها و صاحبمنصبان جزو یک بعد از اتمام خدمت داوطلب شده اند بعد بیست ساله از باصد و هفتاد يك هزار نفر قشون حاضر آلمان صدی بست از این قسم محسوبند .

(تعیین مراتب نظامی)

در سپاه آلمان هیئت لشکری منقسم بر دو قسم بزرگ است . اولاً - اشخاصی هستند که امتیازات

و حقوق و تکالیف عسکری را حاز میباشند مانند صاحبمنصبان و صاحبمنصبان جزو و قرات و مأمورین محیة نظامی .

ثانیاً - کارگذاران نظامند ، مثل لشکر نویسان و سر رشته داران و بیطاران و غیره .

صاحب منصبان جزو

درجات و مراتب نظامی - در پایین ترین مراتب نظامی در فوق يك سر باز مرتبه (تقریباً) یا سر باز درجه اول است که مستحقین آن افراد هوشیار خوش اطوار هستند که یکسال خدمت نموده اند ، بعد از آن صاحبمنصبان جزو میباشند که اینها در قشون آلمان به پنج درجه اقسام یافته اند ، که جملاً بدو شعبه تفریق می شوند .

اولاً - اشخاصی که شمشیر صاحب منصبی نمی بندند ، و اینها بدو قسمند

- ۱ - کسانی که تکالیف شان مشابه وظایف است که در قشون دول دیگر بعهده سرجوقه ها سپرده شده
- ۲ - وکیل ها

ثانیاً - صاحب منصبان جزو یک شمشیر صاحب منصبی می بندند و اینها هم سه قسمند : - ۱ ، نایب وکیل باشی که مواظب لباس پوشیدن و وضع اجتماع سر بازان است - ۲ ، وکیل باشی که مأمور به محاسبات و انتظام داخلی یکدسته است - ۳ ، شاگردان نظامی که بعد از دادن امتحانات یکمدرسه عسکری تا هنگام نیل بمرتبه نایب دومی مشغول باحرای وظایف آن می باشند .

نصب صاحب منصبان جزو

هیچ سر باری پیش از اتمام خدمت حاضر نمیتواند بدرجه صاحب منصبی جزو ارتقا یابد ، و اصول ترفیع این رتبه بر دو طریق است .

اولاً - بواسطه مدارس مخصوص (در بیاده نظام تا یکدرجه و در توپخانه بکریع اینها از جانب مکتب انتخاب میشوند)

هشت مکتب ابتدائی عسکری در آلمان موجود است که اطفال قرات و صاحب منصبان جزو از پانزده تا هفده سالگی در آن مدارس پذیرفته میگردند

مدت تحصیل دو سال است. پس از آنکه از این مکاتب فارغ التحصیل شدند در هفده سالگی بمدارس صاحب منصبی جزو داخل میشوند.

علاوه بر اینها افراد داوطلب که دارای يك شهادت نامه هستند نیز در این مکاتب قبول میگردند، مدت تحصیل برای شاگردانیکه از مکاتب ابتدائیه عسکری بیرون آمده اند دو سال و بحجه دیگران سه سال است، بعد از اكمال علوم متعلقه باید برای چهار سال نهم خدمت کرده بعنوان صاحب منصبی جزو داخل قشون میگردند.

تأیلاً بر حسب قدمت - صاحب منصبان جزئیکه خواه از پیاده خواه از صنوف سایر ز مدرسه بیرون نیامده اند از میان نفرات قدیم الخدمه انتخاب میشوند.

پس از یکسال خدمت یکنفر سرباز خوش-اق با ذکاوت میتواند از جانب سرهنگ نایل سربازی درجه اول (فقرت) بشود، بعد از اتمام خدمت عسکری سرباز درجه اول اگر دوباره قبول خدمت کند صاحب منصب جزو میگردد.

بسیار نادر است سرباز درجه اول که تجدید خدمت نموده باین مرتبه نایل آید، عموماً سپاهیان باید بحسب قدم در خدمت و تدریجاً اکتساب درجات کنند. آذوقه جی از میان وکیلها برگزیده میگردد، و وکیل باشی گری بر حسب قابلیت داده میشود. (امتیازاتیکه صاحب منصبان جزو استحقاق) (آزا دارند)

پس از اتمام خدمت حاضر اگر يك صاحب منصب جزو خواست باز بعنوان داوطلبی داخل لشکر کرده باو بیست و پنج تومان تخمت بطریق انعام داده میشود، و تا سال دوازدهم خدمت اختیاری مجزی نایل نمیداد، ولی بعد از ختام این مدت حق گرفتن دویت و بجه توطان را دارد، و پس از هجده سال خدمت مستحق استعمری میشود، و بر این میزان تا سال سی و ششم خدمت هر شش سالی مابقی بر استمراریش می افزایند.

چون صاحب منصب جزو مدتی مداومت بوظیفه خود نموده و امتحان داده استعدادش را بحسب لیاقت

بدرجه تبوت رسانید، آنگاه میتواند در افواج مخصوص بدخواه خود داخل شده یا به هر اداره؟ از ادارات نظامی که مایل باشندگشته گردد، مثل معاون نجویلدار، نویسنده، دفتر دار، اداره ارزاق، مأمور بناسیبه استحكامات، قور خانه جی، منشی مخزن البسه و غیره. اگر صاحب منصبان جزو نتوانند یا نخواهند بخدمات مختلفه فوق مأمور شوند میتوانند پس از اكمال دوازده سال خدمت شهادت نامه گرفته بحسب آن حق انتساب به یکی از ادارات کشوری داشته باشند، حق از برای تسهیل دخولشان بخدمات مذکور از شش ماه تا یکسال مرخص میشوند، و در این مدت غیوبت وجه قابلی بآنها داده میشود تا روزگاری بتوانند بی مواجب در خدمات جدیده سربزند و لیکن پس از ختام این مدت خواه موثق کاری بشوند و خواه نشوند وزارت جنگ هیچ مؤایت یا تکلیفی برای ایشان بر عهده نخواهد داشت.

صاحب منصبان جزو آلمانی نمیتوانند بدرجه صاحب منصبی برآیند مگر بمکافات ابراز جلاوت و شجاعت در پیش دشمن.

اگر يك صاحب منصب جزو در قشون میاز و مواظبت بخدمت میکند برای ملاحظه مهم نقدی نیست بلکه بواسطه میل شدیدی است که در مردم آلمان همیشه نسبت بمقام مؤمن و محترم عسکری مشهود میشود. و چون صاحب منصبان جزو در آلمان مرخصی از خدمت میگیرند هر یکی با رتبه خود و بمقتضای سن شان بصنف احتیاطی یا به (لادور) میگذرند و باین طریق قرة مهمی برای تقویت قشون حاضر در هنگام نجهیزات تشکیل مینمایند.

(صاحب منصبان)

صاحب منصبان برای نایل شدن برتبه صاحب منصبی باید پیش از آن در یکی از افواج آبیات لیاقت و استعداد نموده از عهده امتحانات مخصوصه بر آمده و برای جاب توجه امرای لشکری حسن رفتار خود را بخصیه ظهور رسانند.

در آلمان مکاتب مخصوصه ابتدائیه برای آموختن بچه ها از بدو طفولیت بعدادات سربازی تأسیس شده

که در آنها اولاد نجبا و مأمورین کشوری و عسکری پذیرفته میشوند .

شرائط قبول برآی پیاده و سواره و توپچی یکی است .

ایده گفت سه ربع صاحبمنصبان آلمانی از میان فرقه مخصوص که آنرا (فاهن یونکر) مینامند برگزیده شده اند .

(فاهن یونکر)

جوانان هفده تا بیست و سه ساله که آرزو مند صاحب منصب هستند در حضور يك هیئت مخصوص امتحان داده و شهادتنامه گرفته بفرقی داخل میشوند، چون سه ماه از خدمتشان بگذرد بسربازی درجه اول ارتقا جسته و بعد معلومات مخصوصه نظامی را اکتساب نموده موظف بشکالیف صاحبمنصبان جزو میگردند، و شش هفته اقل در سرباز خانه مقیم، و در غذا با سربازها شریک می شوند، بعد از آن مأذون بخوابیدن در شهر و پوشیدن لباس از ماهوت نازک هستند، حق سفره صاحبمنصبان و عجاج مشورت ایشان نیز پذیرفته میگردد .

مستعدان این اشخاص سه ماه و سایرین بجماع چون خدمت نمایند در حضور رؤسای خود بموقع امتحان درمیآیند، اگر از عهده آن چنانکه باید و شاید بر آمدند بمرتبه (فاهن ریک) منصوب میگردد، و ایندرجه را خود امپراطور به آنها توجیه میکند، (فاهن ریک) ها سه ماه در فوج توقف نموده پس از آن بدون آنکه مجدداً امتحان شوند به يك مدرسه جنگ داخل می شوند .

(مدارس مخصوص نجبا)

در مملکت آلمان ده باب مکتب برای تعلیم عسکری نجبا موجود است (هشت مدرسه در بروس، یکی در باویر، یکی در ساکس)

نجبا زادگانیکه داخل این مدارس میشوند سالی دو بیست تومان و سایر شاگردان سیصد و پنجاه تومان اجرت تدریس میدهند و عدد عموم متعلمین دوهزار و پانصد نفر است .

نجبا عبارت از اطفال صاحبمنصبان و پسران

مأمورین نظامی و صاحبمنصبان جزیکه مقتول جنگ و یا مسیوق خدمه و یا از اولاد کار گذاران کشوری میباشند .

شاگردان از ده تا پانزده سالگی بعد از امتحان باین مدارس قبول میشوند، و رفته دخول این مدارس بموجب امر امپراطوری ترتیب می شود، و تدریسات تا صنف سوم عالی دوام میکند، مأمورین از سلك نظامی و معلمین از زمرة کشوری هستند، محصلین بعد از اتمام تحصیل در این مکاتب بمدرسه عالی نظامی (غورس لیکر فلد) داخل میگرددند، و مدت تعلیم در اینجا دو سال است .

جوانانیکه در این مدرسه نمره ها از درجه اول احراز میکنند بعنوان (فاهن ریک) یکسال دیگر در صنف ممتاز آن مشغول تحصیل میگردند .

پروگرام این سال مطابق با پروگرام تدریسیه مکاتب جنگ است، که در انجام شاگردان امتحان صاحبمنصبی را داده نایب دوم انتخاب میشوند .

متعلمین دیگر بعد از سال دوم بسمت نایب (فاهن ریک) داخل يك فوج شده پس از پنجاه خدمت (فاهن ریک) میگردند، و بعد از دو ماه مداومت باین وظیفه بی امتحان بیکمدرسه جنگ پذیرفته شده و در آنجا با افراد صنف (فاهن یونکر) تحصیل میکنند .

اعلان

جلد دوم ابراهیم بیگ که افراد ملت را بهترین تازیانه غیرت در حب وطن است با کاغذی بسیار اعلی و طبعی خیلی خوب در سیصد و بیست و پنج صفحه بقطع اولیه جلد اول کتاب موصوف برآی فروش در اداره موجود است، این کتاب گویا لازم بمعرفی نداشته باشد همین قدر کافی است که بگویم این جلد از جلد اول نافع تر و دلچسب تر است، هرکس جلد اول او را ملاحظه نموده از مذاق مؤلف و سیاق کلام و خیالات طالبه آن بخوبی واقف است، که در زبان فارسی کتابی با این صفت سابق نوشته نشده، قیمت چهار روپیه، اجرت پست بر ذمه خریدار است

گویم بد و کر نه گویم بدتر -
 هر آنکو از فلسفه تاریخ با خبر و مقتدر
 بمحاکات تاریخی است، همینکه اسباب ترقی نخستین و
 علل ترقی ثانوی اسلام را بمحاکه میکند، بخوبی
 درمییابد که اتفاق و اتحاد آغاز مابۀ ترقی و تعالی، و
 در آخر خلاف و تضاد باعث ترقی گردیده، و اگر
 اتفاق در ملت اسلام بروز نمیکرد اتفاق را مسخر
 مینمودند، با آنکه علم و آگاهی آنآنان در ترقی است،
 و بصیرت مسلمانان هر دم در تزايد، قلم شرم دارد،
 و وجدان روا نمی‌بند که يك گله از حرف تقاض
 امت مرحومه بشکارد، افسوس که کردار و رفتار
 برخی بر ضد عالم اسلامیت است، و مسلمانان را از هر
 گونه ترقی مأیوس می‌سازد، هر چند بزرگان ایران
 خاصه علمای آن ملت نجیب که ترقی و تعالی اسلام را
 در بر تو اتفاق و اتحاد گه میدانند، بی‌وسه در این راه
 صرف مقدرت میفرمایند، و هرناهمواری را هموار و
 هر ناگواری را گوارا فرض، و با کمال استقامت و استقامت
 درین لطیفه مسلمانان میفرمایند، چه سود که قال الحکیم
 (با فرقه کج اندیش متکل بود مدارا)

طرف مقابل مدارا را ضعف و ناتوانی فرض،
 و با آنکه تاریخ آینه عبرت است که از مخالفت در
 هیچوقت صرفه برده اند بعد از هفتاد سال صاحب دولت
 عثمانی صرف نظر از حقه جامعه اسلامیت نموده،
 رفتاری را که نمیتواند درباره حکومت صرب و قره داغ
 و بلغار اجرا دارد، درباره ایرانی روا دیده، و درین
 اواخر مخالف با قانون دول هر روز غائله پیش آورده،
 و تجاوزات غیر مشروع قیام و اقدام مینماید، و حال
 آنکه به تسکین اغتشاشات داخله خود مقتدر نیست،
 و پیوسته در تحت فشار دول همجوار میباشد، خصوصاً
 در این سال آخر که آوازه مشروطیت ایران بسمع
 اعلیحضرت سلطان رسیده، وزرای مستبد عثمانی ازین
 آوازه وحشت حاصل، و جبهه برهم زدن این قانون
 مشروعه از هر نوع حقوق شکنی و ناسبایی و حق
 ناشامی خود داری ندارند، و از يك طرف هم خود
 سفیر ایران جبهه حفظ مقام در تأیید افکار ایشان
 کوشیده، و بلکه تشویق باین تجاوزات حسورانه نموده،
 و طواریزیهای کربلا، و تجاوز حدود، و باوجود بودن

کیسیون در سرحد و توسط دو اتین انگلیس و روس
 باز از حرکات تجاوز کارانه و نخطی و تجاوز يك روز
 خود داری ندارند، هر چند زبان حال کلک و بنان
 مترنم و ایتقالند

(ز که نالیم، از طاست که بر طاست)
 خلاصه، در این حالت پریشان ایران که تصور
 میکنند علی الظاهر بین دولت و ملت چندان سفتای
 نیست، و بقول خودشان (اقدام فرستدن) استفاده را
 کار بسته، و تجاوز اجتناب ورزیدند،
 حال که ما گرفتار اصلاحات داخله میباشیم، و کا
 یلیق آماده حرب نیستیم، لازم است مانند دول عالم و
 اقوام آگاه وضع حرب را تغییر داده، معناً بمقابله
 بردازیم، و امروز محاربه منحصر بتوب و تفنگ و
 شمشیر و بزه نیست بلکه انواعی دارد، از آن جمله
 يك نوع است که دو سال پیش چینیان با دولت عالم
 آمریکا نموده، و او را مات کردند، و این فقره
 (داستانی است که بر هر سر بازاری هست) و همگی در
 جراید خوانده و دیده اند،

دو سال پیش که دولت آمریکا برطایای چین که در
 ممالک او بودند بنیاد سخت گیری نهاد، که باید از ممالک
 من بیرون بروید، و در اینجا فله کی نکنید، چون
 دولت چین خود را مقتدر ندیده که پاسخ این سخن غیر
 صواب و بیجواب را به قوت تیر توب بدهد، مات ختا
 راه صواب پیش گرفته، قرار دادند بحاربه اقتصادی
 که متاع آمریکا را بخرند، ششماه سخت ایستاده نیم
 شاهی از متاع فابریک های آمریکا را بخریدند، اجاره های
 فابریک که عملی از مال بود در صفحات چین درش
 مسدود، و مال فابریک های آمریکا در چین منسوخ
 و امید فابریک تورهای آمریکا بدل بیانس و نا امید
 گردید، و از منافعی که در آتی منظور نظر داشتند
 خود را بی نصیب دیدند، غلغله و اضطراب در میان
 صاحبان فابریک آمریکا تولید گردید دولت خود را
 مجبور دید از آنکه دست از سخت گیری بر تبعه چین
 برداشته و بسفیر خود امر داد از درصاح درآمده،
 از کردهای خود معذرت بخواهد و کار بصالح انجامید،
 طی مثلی است معروف که از اجداد ما بسادگار
 مانده (بیوایه را حزن بلکه نالش را ازو بگیر)

این است که موفق بحصول رسمیت اسمی گشته اند ، و زماں هم که قومی بلفظ ذات و حقارت یاد میشود یعنی بجدی بیچاره شده اند که قواء مجریه آنها اسم است نه رسم ، ثروت آنها فقط نام است ، تجارت آنها اسم هم ندارد ، قوای حربیه شان معدوم و موهوم است ، از عدل و داد آنها جز اسم برقرار نیست و قس علیهذا ، پس بار همین نکته میرسیم که (اسم باید با رسم باشد)

مکتوب از استرآباد

بجداقه از همراهی آقایان حجج اسلام امام الله اقباله العالی و اقدامات کافیه تجار ذوی العز والاحترام ، مدت سه ماه است انجمن محترم استرآباد برقرار و عموماً با کمال یکجهتی برادر وار دست اتحاد یک دیگر داده در امور عام المنفعه بدون هیچ ملاحظه و طرفداری اقدامات جداگانه دارند ، جناب مستطاب مؤذنا لاسلام آقای حاجی شیخ محمد حسین مجتهد مدظله که از احواله علماء محسوباند از طرف عموم ملت و آقایان حجج اسلام بریاست انجمن محترم منتخب و سایر اعضاء محترم هم از قرار دیل است

جناب مستطاب آقای آقا شیخ اسمعیل دام احلاله جناب مستطاب آقای آقا شیخ محمد طاهر سامه الله تعالی جناب مستطاب آقای حاجی سید اسد الله سلمه الله تعالی جناب مستطاب آقای آقا سید یعقوب سامه الله تعالی جناب آقای آقا شیخ محمد قاجار سلمه الله تعالی جناب حاجی محمد تقی ارباب ناجر استرآبادی دام اقباله جناب حاجی آقا محمد تاجر کاشانی دام اقباله امیدوارم با آنکه انجمن محترم استرآباد از سایر بلاد قدری انعقادش به جهانی چند تأخیر پیدا کرده ولی بزودی رفع توقفات آن شده از همکنان عفو نمائند باشد (محمد رضا طهرانی)

ایضاً

از طرف اکرم الملك ایلمخانی لایحه با منضمون بانجمن محترم استرآباد رسیده که جهل هر از اشرار تراکمه طایفه قرامچی آمده کاوهای قریه طوران که از محالات (قدرسک) میباشد غارت نمایند ، تقدعلی نام از طایفه (ایمر) که در (کلبرک) ساکن است خبر شده ، فوری یکتفر را به اوبه طایفه (توجق و تانار و سلاخ)

فرستاده امداد خواست ، و خودش با چند نفر سوار رفت در بند (رودخانه ایمر) که محل عبور اشرار بود کین نمود ، اشرار قرامچی هم پس از جیابول حین مراجعت دوجار آنها شده ، مشغول بدعوای تیر و تفنگ میگرددند ، آقا میرزا غلام شاه الخوی اکرم الملك ایلمخانی که هم روزه با عده کثیری سوار مواطبت از راهما ، دارد صدای تیر و تفنگ شنیده ، فوری با سوارها خودرا بآنها میرساند ، طغان خان نیز که از خوانین طایفه قوجق میباشد با سوارهای خود میرسد جنگ سختی میشود ، هشت نفر از اشرار قرامچی مقتول ، و یکتفر گرفتار میگردد ، باضام بوزده رأس اسب مع گاوهای جیابولی میآورند ، باقی اشرار هم با حالت فلاکت فرار مینمایند ، و دوشتر هم از این طرف زخمدار میشود

در استرآباد شهرت دارد که فقط بخیر از جهل نفر اشرار قرامچی سلامت نایم خودشان رسیده و ما بقی تلف شده اند

بوشهر

صورت مکتوب انجمن نظار بوشهر

(به علماء عظام آن ولا)

چون موافق نظامنامه ایالتی و ولایتی و اصله از مجلس محترم شورای ملی باید قاطبه اهالی بوشهر و نواب دوازده هر وکیل محجه عضویت انجمن ایالتی بوشهر که اشاده الله تعالی بایدهمیشه برقرار باشد محجه رفع مقاسد و مضار عمومی و جلب منافع و مصالح نوعیه و منع تعدیات موافق ترتیبات مقرره انتخاب کنند ، نظر باینکه موافقت و مساعدت جناب مستطاب عالی که موجب حصول اطمینان امام است در این تأسیسات خیره سرمایه قوام و دوام امر است ، لهذا محض استحضار خاطر مبارک با کمال احترام عرضاً اظهار میشود ، که بمدد حضرت حجه الله صاحب العصر عجل الله تعالی فرجه انجمن نظار مرکب از شش نفر از روز جمعه (۲۹) ج (۲) منعقد و هیئت مذکوره بخدمات موظفه ملیه خودشان مشغول و الی ۲۲ رجب بدادن تعرفه مشغولاند ، اگر از طرف جناب مستطاب عالی اجازت صادر شود محترماً ورقه تعرفه باسم سامی و نام گرامی آنجناب

مستطاب عالی و هرکس متعلق بانحباب و دارای شرایط انتخاب باشد انفاذ حضور مبارک خواهد شد ، که هرکس را قابل و لایق این امر بدانید تعیین فرمائید ، که انشاء الله تعالی بعد از این بر وفق احکام شرعی امور آن صورت پذیرد ، والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سواد اعلان نظار در توقیف

عمل خویش

(شهر رحب)

تأسف

خدمت برادران دینی اظهار میشود که هر چند حقیران موافق نظامنامه رحسب و ظایف اطارت باشاء اعلان و تشکیل انجمن و دادن تعرفه اقدام نمودیم ، ولی مایل بودیم که این خدمت را سپایان برسانیم ، لکن چون آثار خلاف از بعضی جهات مشهود افتاد خدمت هر يك از علماء عظام از طرف انجمن نظار عریضه عرض شده که در اقدامات نظار موافقت و مساعدت فرمائید ، چون مسموع شد که یکی از آقایان علماء عظام اظهار کراهیت از تشکیل انجمن و اقدامات نظار فرموده اند ، لزوماً دوش از اعضاء را منتخب و بخدمت جناب مستطاب معظم الیه مبعوث نمودیم که اگر کسی اشتباه کاری کرده باشد دفع آن کنند ، لکن چون اینوجود صریحاً منع از تشکیل انجمن و امر بتوقیف آن فرموده بودند

از خوف اینکه بسادا اختلاف کله واقع شود مصاحبت خود مان را در توقیف انجمن دانسته و ترک اقدامات نمودیم ،

لا یحیة یک از ایرانیان از اروپا

اگر وکلای مات و اولیای دولت علیه اندکی فکر بحال حاضر ایران نموده ، یعنی مخاطرات گوناگون او را که از هر طرف دایر و دورش احاطه نموده به پیش چشم بصیرت بیاورند ، و نواقصات بیشمار او را که از هر يك فی حد ذاته برای انقراض تاریخ ماقی کافی است بمیزان تعداد آورده ، و با دورین غیرت و حمیت نظر باستقبال این مملکت که وطن عزیز ما است بنمایند ، آشکارا خواهند دید ، که این مملکت هوجار خطرات ، و مملو از نواقصات گوناگون ،

وافق سیاسی استقبال آن چنان تیره و نا راست ، که خلاصی او از این مهلکه با نقای حال حاضر ممکن و محال ، و راه نجات برای نجات این ملک و ملت ، از هر طرف باطلی این طریق که داریم می بینیم ، مسدود و نایاب است

معاذ الله که این بنده وکلای مات را ملامت نموده بر آنها خورده بگیرم ، یا اینکه شکایت از پیش نرفتن يك کار از تمام این کارها در مدت يك سال نموده و ایشان را به بی کفایتی نامبردار کنم ، زیرا مواج عدیده که برای اجرای هر منصدی از مقاصد ایشان پیش آمده بخوبی نامت میکنند که ایشان بیگناه و دوات ومات را خیر خواهند ، و هم بیقین میدانم که ایشان در راه خلاصی ملک ومات از این محطرات با کمال مردی و حمیت ثابت قدم ، و تمام قوت و قدرتی را که دارند در راه سعادت و ترقی وطن عزیز منفس صرف خواهند نمود . بلکه متصور این بنده ذر انقراضات دواتین انگلیز و روس و اتحاد اخیراً ایشان در حق مملکت ما و ترجمه بعضی از مقالات جراید انگلیز است ، که وکلای محترم ملت خواننده از مقالات جراید لندن که ترجمه زبان دولت و ملت انگلیز قدری بهتر و واسعتر معلومات حاصل نموده و برای جره جوی بنز بیشتر از پیشتر جد و جهد نمایند ،

ترجمه از روزنامه طمس

روزنامه طمس مینویسد ، اتحادی که رساله های دراز در انتظار او بودیم عاقبت از هرصه حساب بوجود آمد ، ما عهد این اتفاق و اتحاد شایسته است که مات انگلیز را تبریک نموده و ایشان را با بهای صالح و مسالمت نهیت کنیم ،

مسئله آسیا که از مدتی مدید باعث رقابت دولت انگلیز و روس و سبب بعضی سوء خیالات برای دولتین در حق یکدیگر شده بود (باندازه که همیشه مشغول جنگ سیاسی و بلتیک با همدیگر بوده و برضد دمنسود همدیگر قدم میزدیم) با عهد این اتفاق شکلی دیگر کسب کرد ، یعنی رقابت را بر رقابت و ضدیت را بدوستی و محبت تبدیل نمود

این اتفاق که در سی و یکم آغوست در بای تخت روسیه از طرف سفردولت انگلیز و وزیر خارجه روسیه

است واضح که مجلسیان باید این نکته را بهتر از دیگران بدانند .

شکر خدا را امروز مواعع مفقوداست و خار طبانت و نفاق از سر راه مات برداشته شده ، اعلی حضرت اقدس بادشاه خلده الله ملکه مشروطه خواه و عدالت طلب ، عالی عظام با مات همراه ، و بر وجوب مجلس متفق ، وزرا مسئول ، و بعضی از ایشان محب ملک و مات ، اگر در این مورد مجلس کاری از پیش نبرد ، یعنی دولت ایران را از چنگ گرگان بیرحم و مروت که تدارک هجوم باو کرده خلاص نکند کی خواهد کرد ؟

هان ای وکلای مات بایرانیم سوگند که امال شما در اصلاح ملک که واجب فوریه است و خامتی خواهد بخشید که افسوس بر او نمریسه دهد ، و تلافیش غیر ممکن خواهد بود ، جان من قربان همت و حجت شما ، تارفت باقی است همت کنید که بلکه خودرا از قید اسارت خلاص کنیم ، وزنگ عاری را که دولتین با اتفاق خویش برای چهره ما حاضر کرده بیدرتک با اتفاق ملی بر چهره ایشان بنشانیم ، از مواععی که در مدت این یک سال برای شما پیش آمده دل شکسته باشید ، و دست و پای خودرا با این جزئی مواعع کم نکرده سنگ زبرین آسیا باشید ،

خمداله نم خمداله سر چشمه مواعع از برای اصلاحات ملکی و اجرای قانون اساسی که امین الساططان بود از میناه نا دست غیب مفقود شد ، قتل این مرد (اگر بدانید) اقتدار شما را در نظر مستبدین یکی بر هزار افزود و امروز جز پیروی احکام شما جاره ندارند ، یعنی اگر باطناً هم چون گور کافر بر حلال باشند ظاهراً جز سر تسلیم و رضا جاره نخواهند داشت و مجبورند که خودرا بلباس مشروطه خواهی مابس نموده و شما را تعقیب کنند ،

اینقدر بدانید که بخدای عالم و آدم سوگند که همتی ایران در خطر است و خطر نیز بسیار نزدیک است وقت امال و غفلت گذشت ، باید امضای قانون اساسی را از اعلی حضرت اقدس بادشاه درخواست و استرحام نمود و نظام اصلاح کلیه امور مملکت را در کف با کفایت اتحاد و اتفاق گرفته دست طمع

دولتین را از مملکت خود کوتاه نمانید ، وگرنه خود مینمایید که چه خواهد شد (از این بیشتر گفتن نشاید)

اعلان

تاریخ سر جان ملک مصور که نقشه ایران را هم داراست بطبع اعلی ، کاغذ و خط خوب ، در نمبر ۱۶ وکتوریا رود - کریسن لین ، مازگام ، بمبئی - نزد آقا میرزا محمود صاحب تاجر کاشانی ، و در اداره جبل المتین کلکته قیمت دوازده روپه بفروش میرسد ، اجرت پست بر ذمه خریدار است بهر یک از این دو مرکز میتواند رجوع نمایند ، نقشه ایران نیز علیحده قیمت دو روپه بفروش میرسد

ایضاً

یومیه جبل المتین در چهار صفحه بامسک و مشرب پانزده ساله خود در طهران اشاعت می شود ، هرکس در هندوستان طالب باشد در کلکته با اداره جبل المتین - و در ایران و سایر ممالک خارجه به (طهران - خیابان لاله زار - اداره یومیه جبل المتین رجوع نماید - قیمت سالانه در ایران سوای طهران چهل و پنج قران و در ممالک خارجه عموماً سی فرانک است (میکادو نامه)

میکادو نامه منظومه است در جنگ روس و ژاپون که بوضع شاهنامه نگاشته شده ، و دارای ۵۸ عکس های حقیقی میدان جنگ میباشد تا کمال امتیاز بطبع رسیده هرکس خواستگار باشد با اداره جبل المتین کلکته رجوع نماید قیمت در هندوستان سه روپه ، ایران یک تومان اجرت پست به ذمه خریدار است

لا یحیئکم الا الخیر

(یا واقبین اتم تکونوا تعلمون)

(ان الختام بکم علینا قادم)

(لو نزلون بشعبنا لصرقتموا)

(ان المفراط فی التزود نادم)

(لا تستغروا بالعباده فانکم)

(بنون والموت المفرق مادم)

(سادی الدوی ما یمننا فی حفرة)

(حیث الخذوم واحد والخادم)

پس چرا ای بزرگان ملت از هر گونه امور توافل دارید، این دنیا را نه بقاء و عمر را نه دوام، سعی کنید کوشش و رزید نگذارید قومیت شما محو گردد، که هر نوع بد بختی در آن شامل است، و نام نیکی برای شما باقی نگذارند، پس از مال و جن در بیخ نذارید، درخت نیکنامی را در زمین هزرت غرس نمانید، که بعد از قرون متوالیه شمارا به نیکی یاد نمایند،

ای علمای روحانی (فلا یجوز للعالم الملیل بزینة الدنیا و زخرفها، و الخروج عن اوامر الشرع و هو عنواتها، و دستورها و ان ناظرت و انظر دقیق، و فکر فی مطالبه صبیح) اندکی فکر نمانید در کجائید و گرفتار چه فرمید، چگونه اسیر همسایگان هستید، احکام خداوند چه نوع بر زمین منته است، چه گونه ملت در قهر مذات افتاده اند، و راه نجات جوئید، چرا راه نمی گشایید، چرا ملت را بمولم عصر چاره نمیکنید؟ تا کی تا چه ایام باید این ملت ایران از فقر و غنی شاه و گدا دچار اجحاف همسایگان و سخت باشند، اندکی رگ رشادت و حمیت را حرکت دادید گرفتید آنچه را در هزار سال انتظارش کشیدید

اعلیحضرت شاهنشاه مغفور مظفرالدین شاه نورالله مر فده حق ملت را داد، رشته را بدست شما علما و بزرگان ملت گذارد، فرزند خود را بشاهنشاهی ایران برگذاشت که او را ستایش کنید عزت آن شاهنشاه جوان بخت را نگران باشید، بیت المال مسلمین را حافظ شوید ملت را راه ترقی نمانید، لشکر دولت را نوازش فرمائید خائنین را بدوست خوف دست بریده بجهنم اندازید خار و خاشاک از درخت سلطنت و تخت و کشور جم پاک کنید، بودجه طلبیه را بهر چه قوه بدارید بکار آورده

آنرا زیر دست آرید، نگذارید از بیت المال مسلمین بارک و اربک و ابوان و دلبچه درست کننده تمام مال مسلمانان را بنهال و در شب صرف قمار و شراب و مطرب نمایند.

ای علمای روحانی بذات خداوند این مظلومه بگردن شهادت، کسایکه اندکی سر از امور حالیه بیرون آورده و در هر گوشه و کنار غصه میخورند از ضعف دولت و ملت پیش آمد امور اجاب در داخله بشما علما و بزرگان ملت سرزاش می نمایند آمدید با آن جلالت قدر دولت مستبده را مشروطه ساختید، چرا بعد از آن به همین اهم قناعت گردید، ملت را و وکلای ملت را حیران گذارید، که رجال بی دین بی ناموس هر لحظه گویند بمن چه آن دیگری گوید (چه ضرر دارد) که این لفظ چه ضرر دارد خیلی سوغات ما آورد همراه ملک و ملت را در کل فرو برد مخالفین ملت که کم بود که دشمن ملک ما، دشمن خونما، دشمن زن و فرزند و خواهران ما، دشمن تمدن و ترقی ایران، دشمن علم و رواق تجارت ما، دشمن دولت مشروطه ما، دشمن شخص شاهنشاه ما، بی تعصب و بی ناموس ترین ملت ما، که براه يك روزه ما، را یکسال دور نمود و مجلس شورای ملی ترقی معکوس کرد، دفتر مایه و بودجه محاکت را نگذارد وکلای ملت در تحت قانون آورند، ظاهر گفت بلی چه ضرر دارد باطن حضور شاه به عرض بی تمدنی رعیت بی ترقی ملت و ذات شاهانه را ضمناً ترغیب به قرض از دو دولت همجوار که ملک و ملت ما را یکدفعه بگرو ایدی در آورد هم باید بان کویه و حلال وارد ایران شود، آیا ملت اعتبار ندارد؟ آیا ما دارای سلطنت نمیباشیم؟ چرا باید عزت ما مبدل بذات شود؟ مال و جان زن و ناموس ملک و ملت را گرو دهیم و پول بگیریم؟ ملت بنک ملی تشکیل داد، چرا حالتش را نگران نگشتید که از میان نرود؟ بعوض گذارید بنک آلمان تشکیل شود تا کی تا چند از خواب بیدار نخواهید شد،

والله بالله سوگند که تا بیساید نظر نوجه بامور سلطنت اندازید و حالت خائنین را ملاحظه نمانند دختران برهوش و زنهای طرا بدست اجانب سپرده خودمان

به چشم دیده انگشت حیرت بدمان گزیده، و آنوقت بی قایده جوانان وطن را سرخجلت بزر افکنید باید امروز دست از جان و مال بردارید نگران بانیك همسایگان باشید هرچه زودتر توانید اتفاق بخورند شاهانه سرگذشت ملك و ملت را برسانید، و حضور شاهانه عرضه دارید عمل شعبده باری رجال دربار که در وقت حضور شاهانه بعمل شعبده مشغول و چین گویند و بدلسوزی راه بماند باید بول از خارجه خواست و آن میسر نباشد مگر بگرو دادن جنوب و شمال و اگر گرو ندهیم ما را چندان اعتبار نیست، و تقدماً مملکت طراب است باید بول از خارجه آورد، برای اصلاح امور مخصوص حال که مشروطه هم شده ایم، در واقع اگر امورات دولت مثل قبل در ید قدرت شاهانه بود گاهی به این دردها گرفتار نمی شدیم، که دول همجوار جسارت نموده و گرو بخوانند آخر ای سر تا پا صادق ملت توت دارد مملکت عزت دارد برای چه میخواهید شاهنشاه ما را اغوا نموده لخت دهید رعیت دولت را ذلیل نماید آخر این ملت بشا چه کرده، چه عداوت نموده تو چه خصمی با این ملت فلک زده دارید که هزار و کمری سال گرفتار استبداد بوده اند اکنون بکلام فرقانی، و فرمایش صمدانی رفته مدعمل بماند که شما تازه دلسوری میکنید سینه برای احباب مزید زن و فرزندتان بجزایتان گرفتار شوند و دست از این ملت بردارید بگذارید بحال خود باشند در مدت سی سال خدا و اعمالتان شاهد است امروز نگذارید قومیت این ملت محو و نابود گردد، آیای خائنین در این عصر اگر مملکت ما گرورود و در نجه دو حریف یار و رفیق بیرون آید چگونه عزت دولت و سلطنت و قومیت ما را جا خواهد ماند بذات خدا و ما ایرانیان غیرت نداریم، تعصب را از اجملت سلب نموده اند ملت فارس را عادت به بی غیرت داده هزار تف بر این گونه وطن شناسی نو و حقوق قومیت شناختن اهل فارس خصوص بنادر آن مخصوص پوشهر با بعضی مردم بی غیرتش که ترقی نموده اند، شب نامه نویسی میکنند و بخیمال خود در جاده ترقی ملك و ملت قدم می زنند هزار لغت بر این روش و صد هزار رحمت باهل آذربایگان خراسان و اصفهان

که در هر مورد داد وطن نوازی را کامو دادند که صد هزار سرمدای خاك قدم شان باد که جوانان دلیر با حس زنده نگران خراج مملکت هستند و مقاصد طایفه ایشان با محاسن خواهد رسید که در همه مورد جان و مال بکف گرفته در راه وطن فدای می سازند، اکنون خاطر مبارك آن برادران عزیز تر از جانم را مستحضر داشته عرض میکنم

ای برادران آذربایگانی و خراسانی و گیلانی قوم فارس غیرت از آنها سلب شده از طرف آنها ما بپوش باشید مقاصد خائنین را خوب فهمیده اید که میخواهند آنها را با جانب گرو گذارده ای قوم بر غیرت جنوب و شمال مملکت شما واردند تمام از نفوذ تجارت جنوب و شمال است که ناموس آنها را طراب و قومیت را بر باد میدهند هفت را گرو خواهند گذارد، خائنین آمده برای همین کار بنگ ملی بود حافظ جنوب و شمال و پرده دار عصمت و ناموس ملت آزما هم محو ساختند قرض از دو دولت گرفته ما و شما را گرو خواهند گذارد، هزار لعنت بر ضمیر بر کینه این خائنین باد

اجانب در داخله ایران کار بمردان ندارند فکر خرد کرده سواری میکنند و آنها را بمحالی وا میکنند پیش از این اگر واضح گویم خود لال کردم حال شما رحم بآنها نمایند اثار و لاالعار برای يك نفر فلان خان نگذارند ۴۰ کرور ملت اسیر بلبك و شهوت برستی اجانب شوند بدست خارجیان اقتد برادران ملت رفعت قومیت نزدیک باضمحلل رسید، بجا است غیرت شما که بنگ ملی علم افتخار بلند نکرده بنگ آلمان علم بی غیرتی ایرانیان را بعالم بر افراشت تف بوطن برستی ملت ایران، لغت بدوات نگاهداری این جمع خائنین هیچ وقت دیگر باقی نیست دست و پا و چشم شما را بسته یکدفعه شما را تسلیم روس و انگلیس خواهند کرد، واضح میگویم تا شما رفع مخالفین داخلی را نه نمائید و درین مقام جرئت و جلالت بخرج نده اید، ملك ما، ملت ما، دولت ما، عرض ما، جان ما، زن و فرزند ما، ناموس ما در خطر اندر خطر است، طولی نکشد که تیر از شصت بیرون رود، و علاج نباشد، پس علاج

واقعه پیش از وقوع باید کرده، و شا را واجب از
قول با قوت قلب از دوات و بدر ناجدار جوان بخت
خود امدام مخالفین را بخواهید علاج نکرد خودتان
یکنید زبر ذات میروید، روزناجیات مل تنگ شده اند،
شا کور نشوید، مرد هستید دلیر و بر غیرت نگذارید
همسایگان بمقاصد خود برسند
(امضا محفوظ)

اخبارات خارجه

§ جماعتی از انگلستان که به خواهی عامه موسوم
لند مقله در روز نامه (ورورست) اشاعت داده
اعتراض سخت بر شعبه از همسایگان خود نموده که
گویا ترقی مستعمرات را لازم میدانند و در خیال خود
بختاری آنجاها هستند. من جمله می نویسند که در
خواب هم نباید اهالی بنگاله به بلند که حقوق و
الختیاراتی مانند اهالی (کنیدا) آنها داده شود، در
مقابل مثل آورده اند انتظام و اصلاحاتی را که دوات
برطانیا در مصر نموده و این را نظیر در رقابیت عامه
در عدم اختیارات آورده اند

§ (استرداد پائی نوروزی) ۱۱ اکتوبر بجانب
هند رهسپار خواهد شد، و چند روزی در (مارسل)
محض تغییر آب و هوا اقامت خواهد نمود

§ دیروز فرقه از صلح حویان در پاریس معترض
شده بر لشکرکشی مرا که چه مشهر است مراکوبها
دولت آلمانرا ترغیب و تحریص منبایند از اینکه جنگی
مفلوبه از سایر دول اروپا برپا یابد

§ رسماً اعلان یافته در (بوداپست) که حکومت
(استریا) و (هنگری) اختلاف خود را نسبت به
(آسکلیج) رفع نموده و متفق الرأی شده اند

§ هیئتی از اعضای اداره بلدیة پاریس وارد لندن شدند
§ اهالی (پرتغال) قبایل افریقای مغربی را
شکست داده و سرکرده آنها را گرفتار (۱۲) نفر
مقتول و (۱۴) زخمی شده اند (بدبختانه این ها هم
مسلمانند از هر طرف که سنگی از فلاخن مسیحیان
اروپا خارج می شود هدف آن شیعه دل مسلمانان
است)

§ تلگرافی از (بروکسل) رسیده که کبسیون
مجلس شورای ملی در ماده بودجه دخل و خرج

ریاستهای وسیع (کانگو) انکار از دست اندازی نموده،
و پادشاه را اختیار ترمیم در آن کاملاً داده است
§ بر دهاتی که بر نانیان در (مقدونیا) سکونت دارند
(بله ریانت) حمله نموده از این رود در (اطن)
اهالی خرابی بجهوش و خروش هستند
§ در (اورین) دو نفر دیگر بمرض طاعون
مبتلا شده اند

§ (مستزقت) وزیر خادجه امریکا از طریق (منیلا)
وارد (سنگمائی) گردید

§ (مستزوتن جرجیل) وارد (ماماگتا) شده است
§ پادشاه (سیام) در (میلیسانیه) وارد و با امپراطور
(ایتالیا) ملاقات کرده و سابق قشون عظیم را
ملاحظه نموده و هر دو بالاتفاق بر حمای (ریگینیه)
ایبانه (تناول عصرانه نموده، بعد از مغرب پادشاه
رهسپار و از جهازات جنگی شلیک توب سلام شد
§ سلطان زنگبار وارد لندن گردید

§ تلگرافی از (تاجیر) رسیده که سبب براندن
قطعات بزرگ سنگ معدن از نارنجک بسیاری از دهات
غربی (احده) بر باد شده، و اهالی آنجا را ضرر
زیاد رسیده است

§ (مستزگنالت) و جنرال (ایاتی) وارد (رماط)
شده، ماران زیاد ناریده از حلو رفتن شان مانع است
یکی از وقایع نگاران روزنامه (مارسنگ پست) از
(تاجیر) می نویسد که (رسولی) سخنی هان که در شرط
رهانی (مکابن) نموده بود سهل کرده، اکنون فقط
محافظت و حمایت دولت برطانیا را حقه خود و من و
عیال خویش و بازیافت مبلغ (۳۰۰۰۰۰) امر و حال الحه
طالب است دولت برطانیا در حفاظت و ایاری وی
حاضر ولی در ادای مبلغ مذکور شرطینکه سلسله
مرا که استردادش را کفالت یابد این عذری ند

§ وقایع نگار (مارسنگ پست) از واشتن می
نویسد که علت غائی رفتن (مستزقت) در ژون
این بود که از دولت ژاپون خواهش کند که مره ران
ژاپونی کتر در امریکا بروند، ورنه در آئیه قادی در
این خصوص در مجلس شورای ملی وضع خواهد شد
§ پادشاه سیام از (نیاس) بسمت ایسنبه روانه
شده، امروز پادشاه (ایتالی) ملاقات خواهد کرد

§ در (توکيو) مرض و نا اشدت شایع و تا کنون ۱۹ نفر مدین مرض مبتلا شده است

§ مرافعه باغبان (وانکوار) دأر بدسته گرفتاران نخستین يك سزا داده شده یعنی حبس شش ماهه

§ در خصوص روزنامه (جستس) صكه ورودش در هند ممنوع شده ، در جواب (مستر کویاش) در

شورای ملی (مستمراری) اظهار داشته که حکومت هند مطابق قانون کار کرده از این رو لازم نیست

دست اندازی در حکم حکومت هند شود

§ سلطان عبدالعزیز پادشاه مراکو مشافهتاً با افسران فرانسه اظهار داشته که امیدوار بذات بیهمتای یاری

است که بر اراده خود مظاهر و منصور شود ، اورا عقیده ایست که اگر فرانسه مراکو را از قشون

خود تخلیه نماید امنیت بزودی مهیا شود ، تا ممکن است به تدبیر رفع غائله را خواهد نمود ، در صورتیکه

ممکن شود حمله بر (مولى حفیظ) خواهد نمود

§ پادشاه باژیک بمرض و جمع مفاصل مبتلا شده اند

§ در مضائق (تورین) از مملکت (ایتالیا) سیلاب شدیدی آمده جوی خرق آب شده اند

§ روزنامه (تریبون) را عقیده ایست بسبب کثرت کار مجلس شورای ملی انگلستان که اکنون تعطیل است

۲۸ جنوری افتتاح خواهد شد

§ وزیر اداره بحری (ایتالیا) اظهار داشته که امسال بجهت ترقی ادارجات بحری (۱۰) مایون لیرا بودجه آن تخمین شده ، و در همین مبلغ تعمیر

فروند جهاز جنگی جدید هم شامل است

§ (سرفیلکس سیمس) جراحات حلقوم سلطان زنگبار را شتر زده ، همان روز سلطان موصوف عصر

در اداره خارجه با (سرادوردگری) ملاقات نمود

§ مسافرت پادشاه و ملکه اسپانیا در (وینا) موقوف شده ، از این رو طامری می شود که حالت

پادشاه (فرانسس جوزف) رو به صحت نیست

§ خبر تازه رسیده که تب پادشاه (فرانسس جوزف) شدت نموده ، آنها ساقط ، اما سرفه کم شده است

§ با سلطان (مراکو) ودیریکی از روزنامهجات لندن بموجب ذیل سوال و جواب شده :-

§ سلطان - شا جنگ ژاپنرا دیده اید ، آیا فوج

منهم مثل آنها دایراند ؟

§ نامه نگار - بلی - اما از قوانین جدید جنگ واقف نیستند -

§ سلطان - تبسم نموده - خیر برارند با ژاپنیان ؟ بعد از آن سلطان خواهش نمود که شهر لندن

را سیاحت نماید -

§ (مستر ونستین چرچیل) در (لباسول) مملکت (سپرس) میرود

§ پادشاه (فرانسس جوزف) حلتاً دیشب بسیار بد بود ، تمام شب سرفه داشته و تب هم آنی از ایشان

منفک شد

§ بموجب خبر تازه رسماً اعلان یافته که پادشاه (فرانسس جوزف) شب گذشته بآرامی خوابیده

و هیچ نوع مایوس از صحت ایشان نباید شد

§ بین (میو - روگنالت) و وزیر خارجه و (مولى حفیظ) اکثر اوقات گفتگو می شود

§ (مولى حفیظ) قبائلی صكه تابع فرانسه شده نهب و غارت میکند

§ اخبار (طمس) می نویسد که این امر فیصل یافته که دولتی فرانسه و اسپانیا به سایر دول اروپا اطلاع

خواهند داد که سلطان (مراکو) انتظام پادشاه را بدین غرض به دولتی موصوف سپرده که اسلحه جنگ

وارد شود

§ در انگلستان قیمت گندم ترقی کرده

§ نایب (مولى حفیظ) در اداره خارجه آمد ولی مأذون مدخول نگردد

§ تلگرافی از (برلن) رسیده که ولیمسد دولت آلمان را بدین اراده بوزارت داخله جهة يك سال

فرستاده اند که تعلیم از معاملات مملکتی حاصل نماید بلی طریقه تعلیم و تربیت این است نه اینکه هنوز چشم باز

نکرده فرماقرمانی باو بخشند

§ دسته فوج بحری و دسته از فوج داخله و دسته از جهازات موشک شکر - دیروز یکجا شده که تا ۱۵ روز مشق محفی در بحر شمال نمایند ، (لاردر چارلس برسفرد) سالار این دسته جات میباشد

§ شهر (ویانا) در خصوص صحت پادشاه اقوال مختلف گفته می شود ، اگرچه بطریق نج رسمی

اعلان یافته که صحت معظم البه رو به بهبودی است
 § پادشاه (سیام) بسمت (مالا) و همیار شد
 § دولت فرانسه برای اعانه آمادی مقامات سیلاب
 زده، اراده استقراض ۶ میلیون فرانک دارد
 § تلگرافی از (مدینان - نیویارک) رسیده که حسری
 شکت و قطار کالسکه راه آهنی هرق و ۲۰ نفر
 هلاک و مجروح شده اند

§ فرانسس جوزف امپراطور آستریا رو بصحت است
 § پادشاه سیام وارد (مالا) شده جہاز (امبا سیل)
 را ملاحظه و با حاکم آنجا تناول عصرانه نمود
 § یکی از جواهر فروشان شهر لندن پادشاه سیام
 را يك کيسه الماسی برای فروش میبرد که (۷۰۰۰) لیرا
 قیمت داشته بین راه (روم و بیلس) کيسه جواهر
 بسرقت میرود

§ بموجب اخباریکه از اسلامبول رسیده نتیجه
 سفارشات سفیر انگلیس درباره متظلمین (اناطولی) این
 شد که حکومت اخذ طالبات برخی اضلاع را معطل
 گذارده، رئیس الوزراء مأمور گردیده، کسایکه شرکت
 در اغتشاش و اجحاف داشته اند ملزم قرار دهد

مکتوب از تراق

الحرافه محلات و سایر بلوک در این سال که
 انقلاب تمام ایران را فرا گرفته کمال آرامی را داشته و
 تمام مردم از شرمندن و قوت مجلس مقدس شورای
 ملی در ایران شاکرند و از طرف حکومت محلات
 و سایر بلوک آقا میرزا محمود خان طباطبائی سی وانی و
 جد کافی و توجه و جهد در پیشرفت احوال عموم
 اهالی بلوک بحسن سلوک رفتار می نماید، عموم اهالی قدر
 این سید نجیب بی طمع بی غرض را خوب میدانند،
 ولی از آنجائیکه هر نومی و بینی و گلی بخاری
 دچار میشود این اوقات جناب سدر راوغی که از
 طهران به نجف اشرف تکرقات معموله نموده و
 اختلاف بین حضرت مستطاب آقای آقا سید کاظم
 یزدی و سایر آقایان حجج اسلام آن سامان انداخته
 و طهران و ایران را باستبداد خود میخواست بر باد
 دهد و از خوف وطن پرستان و متمدین ارغیرتمندان
 بمصدق العتائی خائف از طهران فرار برقرار اختیار
 کرده براونج که فریه از فراء محلات است آمده بر ضد

اهل محل و حکومت رفتار مینماید، و میگوید هم که
 چنین و چنان به نجف اشرف تلگراف کردم، و برهم
 زنده مجلس و حرفهای غربت عجیب میزند، و بر
 ضد مذاق مردم غیرتمند میگوید، باید طالبات این ولایت
 بمن رسد که نیول من بوده، و محسن تراق دستور العمل
 داده که در تراق نزاع برپا کند، و سعی در قتل
 نسوس چند نماید، محض رضای خداوند درجده فریده
 این مختصر را درج فرمائید که اسباب عبرت خلق باشد
 (نو خود حدیث مفصل بخوان از این مجلد)

تلگرافات روتر راجع بایران

(۳ رمضان - ۱۱ اکتوبر)

§ وقایع نگار (طمس) از طهران می نویسد که
 اعلی حضرت شاهنشاهی قانون اساسی را بصحة مبارک
 رسانید، و بموجب آن اختیارات شاهنشاهی محدود و
 حدود علماء نیز معین شده، و اهالی را آرادای افکاره
 تعلیم - تحریر - مجامع - و تقریر داده شده است
 (۵ رمضان - ۱۳ اکتوبر)

§ باجمالی در خصوص مناقشه سرحدی نمایندگی
 ایران اظهار داشته که نمایان هیچگونه در خاک ایران
 پیش قدمی نموده، چه اضلاع (تردشت) ز قدیم در
 خاک نمای شامل بوده است.

قشور نمای در جنبش معلوم می شود، و خوف
 حمله تازه بر حدود ایران میرود

(۸ رمضان - ۱۶ اکتوبر)

§ مخبر (روز) بموجب خبریکه وقایع نگار (طمس)
 از طهران اطلاع داده خبر میدهد، که بهوت عظیمی
 در کرمان ظهور نموده، ۷ نفر مقتول و بسیاری مجروح
 شده، جماعتی در تلگرافخانه انگلیس بنهذه شده اند،
 نمایندگان دولتن روس و انگلیس صورت واقعه
 را به رئیس مجلس شورای ملی عجزه نموده اند

§ تلگرافی از (پترسبرگ) رسیده که بموجب اخبار
 (ارومیه) نمایان مقام (اشنویه) که در خاک آذربایجان
 است متصرف شده، و بسمت (دیلمان) در حرکت اند
 و در آنجا اراده دارند فصل زمستان را بسر برند

(۹ رمضان - ۱۷ اکتوبر)

§ مخبر (روز) از طهران خبر میدهد که ایالت کرمان
 بطهران تلگرافاً اطلاع داده که اهالی او را از شهر

بدر نموده، بر وی حمله می نمایند. سبب شورش همان اختلاف آرا در انتخاب اعضاء مجلس بوده است. اشترار خلیلی از این شورش منافع می شوند. برخی از آنها بر شعبه بنگ شاهنشاهی نیز که در کرمان است حمله نموده اند § عبیر (روتر) از طهران خبر میدهد که وکلای شورای ملی بر سبیل عدم اعتماد خود را از جمیع وزرا مرفوع داشته مطالبه استعفاء آنها را کرده اند، عاجلاً استعفا خواهند داد

§ شورش کرمان حتمی پذیرفت و در شیراز شروع به بلوا شده است

(۱۷ رمضان - ۲۵ اکتوبر)

§ وقایع انگار (طیس) از طهران خبر میدهد که هیئت جدید وزرای ایران را جناب ناصرالملک تشکیل مینمایند. ناصرالملک رئیس لوزراء، شخصاً وزارت مالیه را قبول نموده، و جناب مشیرالدوله وزیر امور خارجه شده است

§ روزنامه بانیر مینویسد از طهران خبر رسیده که قرب (۴۰۰۰۰۰) ایرا اعانه از طرف اهالی از افسران حلیل القدر، حکام، سرکردهگان فوجی، و شهزادگان عظام، در امداد دولت جبهه فرستادن اردوی کافی برای دفاع و سرکوبی عثمانی در سرحد در يك مجلس جمع شده

§ انجمن های ملی بلتیکی از دولت ایران استعفا نموده اند که تدارکات و اقدامات لازمه کافیه جبهه آرامی بلاد و امنیت و شوارع نموده و شخص قابل وطن دوسق را بعنوان نمایندگی دولت ایران در کبیسون سرحدی جبهه اصلاح امور متنازعه فرستاده شود § اعلیحضرت شاهنشاهی مجلس شورا به ملی را اطمینان فرموده اند که در مستدعیات معروضه اقدامات لازمه فوراً خواهد شد

تکرافات

(۱۴ رمضان - ۲۲ اکتوبر)

§ در (نیویارک) خساره فوق العاده در بازار صرقان وارد آمده از استکه (بنگ ملی و نجارتی) از ادای (۶) میلیون (دولر) وجه امانت اداره شرکت (نیکربروکترتوست) که قدیمترین تجارخانه های ممالک متعده امریکاست سر باز زده، بعد از آن (مستر بارنه) رئیس امور (مارس) استعفا داد، و سایر

ادارات کبابیهای نجارتی به کبابی (نیکربروکترتوست) وعده معاونت و همراهی نموده اند اگر او را لازم شده اضطراب زیادی از این حادثه لاحق بشعبات کبابی مذکور شده، در صدد تعطیل داد و ستد هستند. کاغذات طریقۀ (مارکونی) شکسته نقصان زیادی به اسهام تلگرافخانه وارد آورده است

§ در بودجه دخل و خرج دولت روسیه بابت سنه (۱۹۰۸) برای اعانه قحط زدگان (۷۷۳۴۰۰۰) منات گنجانیده شده است

§ از اخبارات تاگرای (مادرید) ظاهر می شود که طوفان و باران تاکنون در تمام جزیره نمای اسپانیا برقرار و تلفات جان و مالی بیشمار است § اداره بلدیۀ شنکمان اعلان داده که حسب خواهش دولت انگلیس حصول اجازه نامه نجارتی متروک و به متقدمین هم، دیگر داده نخواهد شد (۱۵ رمضان - ۲۳ اکتوبر)

§ مخارات بین حکومت (اتوه) و (نوکیو) درباره افتشاش (وانکوبار) در (اتوه) شایع یافته در جواب تاگرافی از (ویلفرد لایبر) متضمن بر اینکه اقدامات لازمه جبهه اسداد وقوع واقعات تأسف آمیز خواهد شد. امپراطور ژاپون اظهار داشته اند که مقاصد نیک حکومت (کنیدا) را با کمال قوت قلب اعتماد میکنم که حفظ شرفیات یکجبهی و اتحاد بین و با خواهد نمود

(۱۶ رمضان - ۲۴ اکتوبر)

§ دادا بهتی نوروز جی از (مارلس) سوار جهاز و مجانب هند رهسپار شد. حالس خوب است و ترقی در صحت او نمودار

§ از خبرهای بعد ظاهر می شود که اغلب مقامات و مضقات (کالبوریا) ی ایتالیا بسبب زلزله بر باد شده کاسای قدیم (جیرلس) و بعضی صنعتکارهای مهم که خلیلی قدم داشته طراب شده، کشیش بزرگ آنجا وجه اعانه برای مصیبت زدگان جمع آوری می نماید (۱۷ رمضان - ۲۵ اکتوبر)

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان (لارد لغتت) هارو با لباس نظامی روز شنبه بظلمات خواسته، و نطق در باب تنظیمات عسکری خواهند نمود (مستر هالین) نیز غالباً درین دعوت شرکت خواهد داشت